

استخراج سود از رگ های شما

با اهدای فروشی پلاسما، اهدای داوطلبانه خون کم کم رنگ می بازو و افراد ترجیح می دهند در قبال اهدای رایگان خون پول فروشی پلاسما دریافت کنند

صفحه ۹

معرفی پروژه های رمز ارزی
نوظهور ۲۰۲۵-۲۰۲۴
با پتانسیل رشد بالا

پنج پروژه تازه نفس که باید بشناسید

صفحه ۱۰



روایتی از زندگی خیرگسستانی و تلاش‌های بی‌وقفه‌اش
برای آزادی زندانیان و کمک به نیازمندان

داستان نجات ۵۰۰ زندانی

بزرگ‌ترین چالش‌های
زندگی‌ام جلب
رضایت ۱۴ نفر از
اولیای دم‌دریک
پرونده قصاص بود

صفحه ۹

A photograph showing a man with grey hair and a beard, wearing a blue long-sleeved shirt, embracing a person from behind. The person being embraced is wearing a black garment, possibly a headscarf or a robe, and their face is obscured by a large black pixelated area. The background is a solid yellow color.

روایت

۲۰۷ فیلم در داوری؛ داوران با تنوع مواجه‌اند
نشست خبری پانزدهمین جشن منتقدان سینمایی با یادی از
الله حسین‌نژاد و بزرگداشت سه چهره برگزار شد

که سلیقه در آن نقش اساسی دارد دورود شهید
و اعلام کردیم که از جشن پانزدهم، از این سال،
سینمای ایران را بر بررسی می کنیم، در این دوره
اکران سه سال اخیر ایران در جشن پانزدهم
بررسی می شود که حدود ۲۰۷ فیلم را شامل
شده و آثار از فیلم‌های بدنه تا هنر و تجربه
در گرفته شده است این سبب شده که امسال
تعداد کاندیداها بیشتر شود به طوری که در
کدام از ۱۳ بخش، ۱۰ نامزد معرفی می شوند.
قراس است در جشن امسال مراسم به دو گانه
حسن پوروشیری از جشن صبر عرفایی و گداشته
طوسی به برگزار شود. همچنین فرایندی گیری
به صورت آکادمی با مدیریت علی اعلاوی و
شرکت ۱۰۰ منتقد انجام می شود و جشن
هم مراد داهود در تالار ملی کتابخانه مرکزی
برگزار خواهد شد. در پاسخ به پرسشی درباره
حیثیت برخی فیلم‌ها که به دلایل مختلف اکران
عمومی نشده‌اند اما دیده شده‌اند، گوردی
تاکید کرد: «به طابق آیین نامه عمل کردیم.
هر فیلمی که به طور رسمی در سینما را به
پلتفرم‌های اینترنتی به صورت آنلاین اکران
شده، مشمول دورودی است، شاید در سال‌های
آینده این نامی تغییر کند، اما فعلاً همین
خطمی را دنبال کردیم.»

پانزدهمین دوره جشن منتقدان و نویسندگان ایران، امسال با گردگذاشتن به چهره برجسته سینما، افزایش نامزددها در ۱۳ و ۱۴ داورى فیلم‌هاى سه سال اخیر بر گزاردى مى‌شود. دست جبرى این دوره دیروز در خانه سینما بر گزار شد و با پادى از الهه حسین نژاد، دختر جوانى كه چندى پیش قبل منتقدان و نویسندگان شدند، آغاز به كار كرد. جعفر گورزى، دبیر جشن در ابتدای این نشست ابراز امیدوارى كرد كه هم چيغ زنى ترس را با خود حمل نكند. خدایان در ادامه به احترام و يك دقیقه سکوت كردند. در این مراسم از پيوستز پانزدهمین جشن كه توسط آرمان داوى طراحي شده است رونمايى شد. گورزى با اشاره به رويكردهاى جشن گفت: «ما با اين جشن اعلام مى‌كنيم كه سينما زنده است. سينما مردم سينماگران به دفعه مى‌مند است و جشن منتقدان هم يك جشن مشتعل است و به سمت جريان ماين جاب نمى‌رود.» او با بيان اينكه جشن منتقدان، جشن آراي‌هاى پاى است نه آراي‌هاى محفلى و آمارگيرى، تايد كرد: هدف ما اين بوده كه به ذات و سينما زدنيك شويم و ملاك ما در اين جشن، داورى و سينماست. در اين زمينه ما پس از سال‌ها مدار محدود جشنواره را فراموش

وان ا بها عامل اصلی این وضعیت است. وزارت نیرو موظف است ۱۰۷ میلیارد مترمکعب قنایه لایها را تأمین کند و برای کشاورزی پایدار و تغاهنامه ای با وزارت جهاد کشاورزی امضا شده است.

هیچان زاده با ابراز تأسف از شهادت دو محیطبان، هدایت الله دیده بان و یاسر صدق، کمبود شدید نیرو در سازمان حفاظت محیط زیست سخن گفت. به گفته او، نیمی از دیفهای پستی سازمان خالی است و فقط نیروهای موجود به کاری طاقت فرسا شده است. وی از دولت خواست تا ارائه یجهای مجوز استفاده ۵۰۰ کارشناس و ۱۵۰ محیطبان را صادر کند. او هشدار داد: اگر اتفاق تا سال ۱۴۰۵ نیفتد، امکان حفاظت از محیط زیست بسیار دشوار خواهد شد.

ز پایان، لاهیجان زاده از برگزاری کنوانسیون نر در پاییز به میزبانی ایران خبر داد. نشتی به به موضوعاتی مانند پسرپی آب، رهاسازی و رگ و رگد و حفظ فوک خری خواهد داخت.

ت محدود برای نجات خلیج گرگان
ششی از سخنان خود به خلیج گرگان و
ناتکاله پرداخت و گفت: اگر تا سال ۱۴۰۸
به صورت نگیرد، در ۸۰ تا ۹۰ درصد خلیج
توابعه داد. توابعه داد. وی تاکید کرد که بودجه
به روز روزه تامین شده و در صورت همکاری
تگاه، عملیات پیمایش تا ۲۵ سال
اهد برد.

سازمان حفاظت محیط زیست با اعلام
۴۵ سانتی متری تراز آب دریاچه ارومیه
سال گذشته، گفت: ۱۷ تاز خرداد تراز
چه ارومیه ۱۲۰۰۲۲ و مساحت آن
مربع متر با حجم آب ۱۴۷ میلیارد
است که همین اعداد به ترتیب در
شته در همین زمان ۱۲۷۰۶۷ تراز بود
حدود ۴۵ سانتی متر پایین تر است،
مساحت دریاچه در سال گذشته ۲
۱۷ میلیارد متر مربع و حجم آن ۲۸ میلیارد
کیلو متر بود که این ارقام در سال جاری
سال قبل کمتر شده است.

دکاهش براندگی در حوضه آبریز و افت

گزارشی از تصمیم دولت برای کاهش مالیات کولبران، رسمی سازی اقتصاد مرزی و بهبود معیشت مرزنشینان

آشتی دولت با کولبران

- کولبران در سال اول معاف از مالیات عملکرد خواهند بود اگر اظهارنامه قانونی خود را به موقع ارائه دهند
- با اجرای صورتحساب الکترونیکی، کولبران وارد زنجیره اقتصاد رسمی و دیجیتال کشور می شوند [صفحه ۲](#)

تحلیلی بر نقدها و تحسین‌های
کنسرت علیرضا قربانی در ورزشگاه آزادی

کنسرتی که هم تاریخ ساز شد هم حاشیه ساز

صفحه ۲

پدیدون آسیب به سیستمی داخلی، مشارکت جدی تر بخش خصوصی در تولید و پخش (حضور سرمایه گران غیر دولتی) افزایش فراوانی تبلیغات و تلاش بیشتر برای تبلیغات و ارتباط بازاریابی) و تنوع اثرهای تولیدی بایستی (نقطه قطف که)

کاهش گزری اکران های مردمی و رویدادهای تبلیغاتی، افزایش آسان های استاندارد و بر رورسانی زیر ساخت ها (تجربه بهتر تماشا می فیلم، دسترسی س آن ت به سالن ها در شهرهای کوچک)، اصلاح شیوه ممیزی و تسهیل در مجوزدهی از جمله

اگر کارهای احداث گیشه سینمایی ایران است.

من حضور فقط یک نفر را در سینماهای بهمین سبز تجربه کرده و «فندق» دیگر فیلم دفاع مقدسی با دامه اکران در سالن های سبز، ۲۷ اکران را با فروش فقط یک بلیت تجربه کرده است.

مرغ بلبلون بهترین فیلم از نگاه تماشاگران «روز اکسپرس» خود، ۲۴۰ سانس فقط در سینما داشته که یک مخاطب داشته است. با فیلم **الله که** از اسفند ۱۴۰۳ روی پرده رفته خرداد ۱۴۰۴ در سینماهای هم‌سایز فروخته شده است. وضعیت چندانی ندارد: بهترین فیلم جشنواره ۲۷ سانس تک‌نفره طی دو ماه اکران که از ۲۰ فروردین روی پرده رفته ۶۴ اکران

مداد سانس در کل کشور	تعداد سانس در سینماهای بهمن سبز	تعداد مخاطب در سینماهای بهمن سبز	میانگین مخاطب هر سانس در سینماهای بهمن سبز	ضریب اشغال (نسبت صندلی در هر سانس)	تعداد سانس با مخاطب زیر ۱۰ نفر (در بهمن سبز)
۸۳۰۸۰	۵۲۳۹	۲۰۱ هزار و ۲۳۳ نفر	۲۸ نفر	۲۴ درصد	۲۹۸۸ سانس
۳۶۵۷	۱۲۰۱	۴۷ هزار و ۲ نفر	۱۲ نفر	۲۰ درصد	۷۷۲ سانس
۵۷۷۵	۱۳۰۳	۱۵ هزار و ۸۸۴ نفر	۱۲ نفر	۱۴ درصد	۸۶۴ سانس
۱۴۵۶۱	۷۰۲۰	۱۴۱ هزار و ۷۶۶ نفر	۲۰ نفر	۱۷ درصد	۴۱۴۷ سانس
۸۳۱۵	۳۹۶۱	۱۰۴ هزار و ۶۳۰ نفر	۲۶ نفر	۲۱ درصد	۱۹۸۷ سانس
۱۱۹۱	۵۰۸	۱۱ هزار و ۳۴۷ نفر	۱۳ نفر	۱۴ درصد	۳۶۳ سانس
۲۷۲۹۰	۸۶۵۶	۲۷۸ هزار و ۳۱۹ نفر	۲۸ نفر	۱۷ درصد	۳۴۰۳ سانس
۱۶۳	۱۰۲	۸۶۵ نفر	۹ نفر	۱۵ درصد	۸۷ سانس

پروژه‌های عظیم شود.» به گفته او، سازمان حفاظت محیط‌زیست با تهیه استانداردهای سختگیرانه، تلاش کرده کشور را به‌ارزای عمیق‌تری مشخص تخلیه کند اثرات مخرب آن‌ها کاهش یابد. لاهیجان: اداره اعلام کرد که تنها برای تأمین آب شرب مجوز آب‌شیرین‌کن داده می‌شود و تمرکز در آینده بر احداث تأسیسات در سواحل دریای عمان است.

گونه بومی که از بچه‌ماهی‌های تیلانیا می‌کند، موفق به کاهش جمعیت ابر ماهیجور در تالاب شدنگان شده‌ایم.

آب شیرین کن‌ها و خطرات آن‌ها

وی با اشاره به ضرورت مدیریت توت‌ها و آب شیرین کن‌ها اظهار کرد: «خلیج فارس دریای نیمه‌بسته است و نباید محل تخلیه

او با انتقاد از دهه‌های پیش جلوی نگرین در غوغا می‌آید، و پوزیه خود را محدود تلقی می‌کند. محیط زیست روزی از نبودن برای طالب سنجیده شد.

گونه‌های مهاجم مانند تیلاپیا که
یا به صورت طبیعی از کشورهای
می‌شوند یا توسط شیلات برای
پرورش می‌یابند، در جنوب کش



گفت وگو با زهرا کیانی
قهرمان ووشو ایران و جهان

ووشو برای ما شغل نیست

تالومثل تانتر و بازیگری
است خلایق می خواهد

صفحه ۱۱

اختلاف حساب یک میلیاردری رنگ خون گرفت

هفت تیرکشی خونین

در میدان انقلاب

فعالیت تلگرامی برای مبادله کالای قاچاق منجر به جنایت مسلحانه شد

صفحه ۷

اولین گفت‌وگو با خلبان ارشد کارتل پابلو اسکوبار
روایتی از سقوط و رستخیز

اعترافات خلبان

افسانه‌ای کوهکائین

از پسر یک بساز بفروش در فلوریدا تا دست راست پابلو اسکوبار،
روایت عجیبی از سقوط و صعود مردی که سر نوشتش با پوی
کوهکائین گره خورد

صفحه ۱۲

قهرمان ها تغییر کرده اند

هفت تجربه متفاوت از بازی سازی؛ جایی که اکشن، ترس،
خیال و حتی دوستی، همگی در خدمت روایت هایی فرا تر از
کلیشه قرار می گیرند

صفحه ۸

یادداشت

حکایت فیلم‌های کم‌مخا



محمد کلهر
روزنامه‌نگار

سینمای ایران در سال‌های اخیر، ناکامی خود را پشت فروش تیشه کمدی‌ها پنهان کرده است. اما بر دست‌اندر کاران سینما پوششیده نیست که چرخه تولید و اکران فیلم در سینمای ایران ناقص بوده و اکثر سازندگان، سود را در تولید می‌دانند و به توزیع نمی‌اندیشند. هادی اسماعیلی، مدیرعامل موسسه فرهنگی تبلیغاتی پهنم پس متعلق به حوزه هنری که برگ چهرام سینماهای کشور را در اختیار دارد (۲۰۴ سالن از ۸۰۹ سالن)، می‌گوید: متأسفانه شاهد جریان‌های رسانه‌ای هستیم که در شکل‌گیری وضعیت امروز سینما، انگشت اتهام را به سمت سینماداران برده‌اند و مشکل نفروختن برخی از فیلم‌های اکران شده را در یک صورت‌بندی سطحی و تک‌خطی به شیوه سانس دهی فیلم مرتبط دانستند. او با طرح این پرسش که آیا فیلمسازان ما در زمان تولید به ایده‌های توزیعی فیلماشان فکر می‌کنند یا اینکه باید فیلمی بسازند که تمام عناصر صریح و روائی مناسب اکران در پرده بزرگ سینما را رعایت کند، ادامه می‌دهد: من در این سال‌ها کمتر فیلمی با چنین ویژگی‌هایی دیدم؛ شما را نمی‌دانم. اسماعیلی همچنین جدولی از آنالیز اکران و سانس دهی ۸ فیلم اکران خیرات کرده است که گزیده‌ای از آن را در جدول زیر مشاهده می‌کنیم. بر اساس این آواکوی، تعداد سانس‌هایی که به مخاطبان ۱۰ نفر و کمتر اختصاص داده شده، خود گویای همه‌چیز است. به عنوان نمونه، فیلم سینمایی

پیشمرگ
شده در تفرقه
سینماهای بی
سینمای موم
است، تا روز و
۱۲۲ سانس
دیگر فیلم‌ها
یعنی «زیا صا
داشته است؛

نام فیلم
پیشمرگ
صبا
زیا صا
ما
روا
ا
ا
موسی
صبح

گزارش

خلیج گرگان فقط ۴ سال تا خشک

- یک میلیون و ۴۵۰ هزار هکتار از اراضی تالابی ایران در
- تراز دریاچه ارومیه نسبت به سال گذشته ۴۵ سانتی متر

تبدیل به کانون در گروگرام ۸۰
توسعه بی ضابطه کشاورزی
گرفته تأکید کرد: اگر کسی
این روند گرفته می شد، امر
روبه رو نبودیم. در این زمان
آبجای ژرمنی، به عنوان
می شدند. معاون سازمان
افزود: خشکی تالابها،
مردود صریح آب است
پرشان، از وجود ۴۹۰
گفت که باعث خشک شدن
تبدیل به کانون در گروگرام ۸۰
توسعه بی ضابطه کشاورزی
گرفته تأکید کرد: اگر کسی
این روند گرفته می شد، امر
روبه رو نبودیم. در این زمان
آبجای ژرمنی، به عنوان
می شدند. معاون سازمان
افزود: خشکی تالابها،
مردود صریح آب است
پرشان، از وجود ۴۹۰
گفت که باعث خشک شدن



تحلیل

چشم‌هابه مدنی‌زاده دوخته شده است

انتظار می‌رود مدنی‌زاده با برنامه‌های اصلاحی، گام‌هایی مهم در بهبود وضعیت مالی و کاهش تورم بردارد



مهدی خاکی فیروز
دبیر اقتصادی

معرفی علی مدنی‌زاده به عنوان نامزد وزیر اقتصاد، با واکنش مثبت مجلس همراه شده و چراج سبزی برای آغاز دورهای جدید در سیاست‌های اقتصادی کشور روشن شده است. در حالی که بازارهای مالی و به ویژه بورس، نگاه‌ها را به خود جلب کرده‌اند و مردم انتظار دارند رونقی پایدار را شاهد باشند، این انتخاب نوید تحولاتی در بهبود فضای کسب‌وکار و کنترل تورم می‌دهد. همراهی قوی مجلس با دولت فراتر از کسب رای اعتماد، زمینه همکاری مستمر برای حل مشکلات اقتصادی را فراهم می‌کند. آیا مدنی‌زاده با دانش نو در عرصه مالی، می‌تواند مسیر کاهش بدهی‌های دولت، تسهیل دسترسی به منابع مالی و اصلاح نظام مالیاتی را هموار کند؟ هماهنگی او با رئیس بانک مرکزی نیز کلید مهمی برای ثبات بازارها و کاهش تورم خواهد بود.



فرصتی تازه برای اقتصاد کشور

وزیر اقتصاد جدید مسئولیتی بزرگ بر دوش دارد. اصلاح سیاست‌های مالی و بانکی باید به گونه‌ای باشد که بهبود شرایط اقتصادی و عدالت مالیاتی تحقق یابد و اعتماد سرمایه‌گذاران به بازارهای مالی باز گردد. همراهی مجلس و دولت، هماهنگی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی و اصلاحات کلیدی در سیاست‌های مالی، گام‌های ضروری برای موفقیت هستند. امید می‌رود این آغاز، فصل جدیدی در اقتصاد کشور باشد و مسیر گشایش و رشد را هموار کند. نسیمی تازه که امید را در دل مردم و فعالان اقتصادی زنده نگه دارد.

همراهی مجلس و دولت؛ فرصتی برای حل مسائل اقتصادی

یکی از نقاط قوت شرایط فعلی، همراهی چشمگیر مجلس با دولت است. این همراهی نباید محدود به زمان کسب رای اعتماد باشد، بلکه می‌تواند به یک همکاری مستمر و سازنده در راستای اجرای سیاست‌های اقتصادی تبدیل شود. وزیر اقتصاد نقش کلیدی در هماهنگی سیاست‌های مالی دارد و انتظار می‌رود حمایت مجلس، پشتوانه‌ای قوی برای اجرای برنامه‌های اصلاحی دولت باشد. مردم انتظار دارند نتیجه نهایی این همدلی، به‌طرف کردن موانع قانونی و هموار کردن مسیر پیشرفت باشد تا اقتصاد کشور به سمت رشد پایدار و عاری از افت و خیز حرکت کند.

تسهیل دسترسی کسب‌وکارها به منابع مالی

یکی از مشکلات جدی نگاه‌های تولیدی، به ویژه کوچک و متوسط، دشواری در دسترسی به منابع مالی است. این موضوع باعث محدودیت در توسعه و ایجاد اشتغال می‌شود و باید در اولویت برنامه‌های وزیر جدید قرار گیرد. اصلاح ساختار تامین مالی و تسهیل جریان نقدینگی برای کسب‌وکارها، نقش موتور محرک تولید و رشد اقتصادی را ایفا خواهد کرد. اجرای این سیاست‌ها نتایجی همچون افزایش تولید، کاهش بیکاری و بهبود معیشت مردم را به دنبال دارد. در واقع انتظار می‌رود در سطح کالان شاهد سیاست‌های مالی انقباضی و در حوزه تولید شاهد سیاست‌های انبساطی باشیم تا از ترکیب این دو، رونق اقتصادی حاصل شود. صد البته رعایت انضباط مالی و جلوگیری از انحراف منابع مالی تولید به سمت سوداگری نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

مالیات منصفانه؛ چتری فراگیر و عادلانه

اصلاح نظام مالیاتی یکی از الزامات بهبود وضعیت اقتصادی است. مالیاتی که بر مبنای عدالت باشد، نه بر اساس سلیقه‌های شخصی میزبان یا فشارهای غیرمنصفانه. مالیات باید درآمدهای پایدار برای دولت تامین کند و در عین حال عدالت اجتماعی را رعایت کند. هوشمندسازی نظام مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی از اقدامات ضروری است که وزیر اقتصاد باید به آن توجه ویژه داشته باشد. رویکردی منصفانه در مالیات، باعث افزایش رضایت عمومی و بهبود فضای کسب‌وکار می‌شود و در نهایت به رونق اقتصاد کمک می‌کند. در واقع برای ارزیابی موفقیت سیاست‌های مالیاتی و اجرای آن، علاوه بر جنبه‌های کمی و سهم مالیات در بودجه دولت، باید به جنبه‌های کیفی و عادلانه بودن مالیات‌ستانی نیز توجه شود.

هماهنگی وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی؛ کلید کنترل تورم

انتخاب رئیس جدید برای بانک مرکزی در کنار وزیر اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد. هماهنگی این دو مقام به کنترل تورم، مدیریت نقدینگی و ثبات بازارهای مالی کمک می‌کند. پس از ورود مدنی‌زاده به وزارت اقتصاد، انتظار می‌رود تکلیف ساختمان شیشه‌ای میرداماد که محل استقرار رئیس کل بانک مرکزی است، مشخص شود. این هماهنگی نشان دهنده عزم دولت برای انسجام در سیاست‌های مالی و پولی است.

گزارشی از تصمیم دولت برای کاهش مالیات کولبران، رسمی‌سازی اقتصاد مرزی و بهبود معیشت مرزنشینان

آشتی دولت با کولبران

کولبران در سال اول معاف از مالیات عملکرد خواهند بود اگر اظهارنامه قانونی خود را به‌موقع ارائه دهند
با اجرای صورتحساب الکترونیکی، کولبران وارد زنجیره اقتصاد رسمی و دیجیتال کشور می‌شوند



نگرانی از دلان شهری

یکی از نگرانی‌های مطرح شده درباره این طرح، کولبران به دلیل ناآشنایی با ترس از جریمه، و سوءاستفاده کنندگان به سیستم کارت‌های مرز نشینی است. در گذشته، دیده شده که برخی دلان شهری با استفاده از کارت کولبری مرزنشینان واقعی، سودهای کلانی به جیب زده‌اند و سودی به صاحبان واقعی کارت نرسیده است. برای جلوگیری از تکرار این وضعیت، نظارت دقیق بر نحوه صدور و استفاده از کارت‌های مرزی، ضروری است. همچنین استفاده از سامانه‌های ثبت‌نام الکترونیکی و اعمال سقف واردات برای هر کارت، می‌تواند جلوی سوءاستفاده را بگیرد.

این بند، افراد را تشویق می‌کند تا مسیر رسمی و ثبت‌شده را انتخاب کنند. بسیاری از کولبران به دلیل ناآشنایی با ترس از جریمه، سال‌ها از ورود به فرآیندهای رسمی مالیاتی پرہیز کرده‌اند، اما حالا با کاهش فشار و ارائه تضمین‌هایی از سوی دولت، مسیر برای آنها شفاف‌تر شده است.

شفافیت در برابر حمایت

در این طرح، یک مدل همکاری متقابل تعریف شده است. مرزنشینانی که به ثبت معاملات و ارائه دفاتر قانونی روی بیاورند، از حمایت مالیاتی برخوردار می‌شوند. این همکاری به نفع دو طرف است. از یک سو کولبر که در سال‌های اخیر با دشواری معیشتی و خطرات فیزیکی روبه‌رو بوده، به مسیر رسمی وارد می‌شود. از سوی دیگر دولت به اطلاعات دقیق‌تری از گردش کالا در مرزها دست پیدا می‌کند. در چنین شرایطی کنترل قاچاق هم ساده‌تر خواهد شد.

صورتحساب الکترونیکی؛ ورود کولبری به اقتصاد دیجیتال

یکی از نکات کلیدی در بخشنامه اخیر، الزام به صدور صورتحساب الکترونیکی برای معاملات مرزی است. این اقدام، کولبران و فعالان اقتصادی مرزنشین را به اقتصاد دیجیتال پیوند می‌دهد. با ثبت الکترونیکی اطلاعات خرید و فروش، ردیابی مبادلات کالا ساده‌تر می‌شود و راه برای دریافت تسهیلات، بیمه و حتی اعتبار بانکی فراهم خواهد شد. اگر زیرساخت‌های لازم به‌درستی اجرا شود، این اقدام کولبری را از وضع سنتی و پرخطر به فعالیتی مدرن و پایدار تبدیل می‌کند.

پایان ترس از بدهی‌های ناگهانی

در بسیاری از موارد تجار ملوانی و ته‌نچی، با پدیده‌ای به نام مابه‌التفاوت مالیات ارزش افزوده روبه‌رو می‌شدند. این مبلغ معمولاً پس از ترخیص کالا، به دلایلی مانند تغییر نرخ ارز یا تعرفه، به صورت ناگهانی مطالبه می‌شد و تعادل مالی واردکننده خرد را به هم می‌زد. سازمان امور مالیاتی اعلام کرده که در سال نخست اجرای قانون، این مابه‌التفاوت را دریافت نمی‌کند. این خبر می‌تواند امنیت روانی بیشتری برای فعالان مرزی به‌وجود

اظهارنامه و تجهیز گمرکات به سامانه‌های هوشمند، بخشی از این زیرساخت‌ها هستند. اگر اجرای این بندها با تأخیر یا ناهماهنگی انجام شود، امکان دارد کل طرح از مسیر اصلی خارج شود. اجرای آزمایشی در چند نقطه مرزی و بررسی بازخوردها، می‌تواند از بروز مشکلات گسترده جلوگیری کند.

چشم‌اندازی روشن برای مرزها

اگر این طرح با دقت و نظارت اجرا شود، کولبری می‌تواند از یک فعالیت پرخر و فرساینده، به یک شغل محترم و پایدار تبدیل شود. افراد می‌توانند با ثبت رسمی فعالیت اقتصادی خود، از حقوق قانونی برخوردار و وارد چرخه‌ای امن‌تر شوند.

در چنین وضعیتی، فرزندان کولبران می‌توانند آینده‌ای روشن‌تر تصور کنند. پدرانشان دیگر برای نان شب، جان بر کوه و کولاک نمی‌نهند. آنها تاجری کوچک، قانونی و مطمئن خواهند بود.

پیام اجتماعی تصمیم جدید

تصمیم اخیر سازمان امور مالیاتی، تنها یک دستورالعمل اداری نیست. این اقدام، حاوی یک پیام اجتماعی مهم است. دولت به رسمیت می‌شناسد که بخش مهمی از معیشت مناطق مرزی از طریق تجارت مرزی می‌گذرد.

این شناخت، اگر با سیاست‌گذاری دقیق و احترام متقابل همراه شود، می‌تواند به شکل‌گیری اعتماد بین مردم مرزنشین و ساختار دولت کمک کند. اعتمادی که در بلندمدت، امنیت، اشتغال و توسعه را به همراه خواهد آورد.

نمونه‌های بین‌المللی

در کشورهای همسایه مانند ترکیه، پاکستان و افغانستان، مدل‌هایی برای تجارت مرزی طراحی شده که از نظر ساختاری شباهت‌هایی به طرح جدید ایران دارد. ایجاد بازارچه‌های مرزی، اعطای امتیاز واردات محدود به مرزنشینان و معافیت‌های مالیاتی، بخشی از این تجربیات است.

بررسی این الگوها نشان می‌دهد که اگر سازوکارهای نظارتی به‌خوبی اجرا شوند، می‌توان هم‌قاچاق را کاهش داد و هم اشتغال پایدار ایجاد کرد. در ترکیه، بازارچه‌های مرزی توانسته‌اند به ابزاری برای افزایش امنیت اجتماعی نیز تبدیل شوند.

آیا زیرساخت آماده است؟

موفقیت این طرح در گروی زیرساخت‌هایی است که باید از سوی دولت تأمین شود. اتصال بازارچه‌های مرزی به سامانه صدور صورتحساب، آموزش به کولبران برای ثبت

آگهی ابلاغ رای

نظر به اینکه پرونده افراد مشروح ذیل در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار گرفته و منجر به صدور رای شده است و با توجه به عدم دسترسی به نامبردگان بدینوسیله به ایشان اطلاع داده می‌شود چنانچه در ایران سکونت دارند ظرف مدت یکماه و در صورت سکونت در خارج از کشور ظرف مدت سه ماه پس از تاریخ انتشار این آگهی به مدیریت منابع

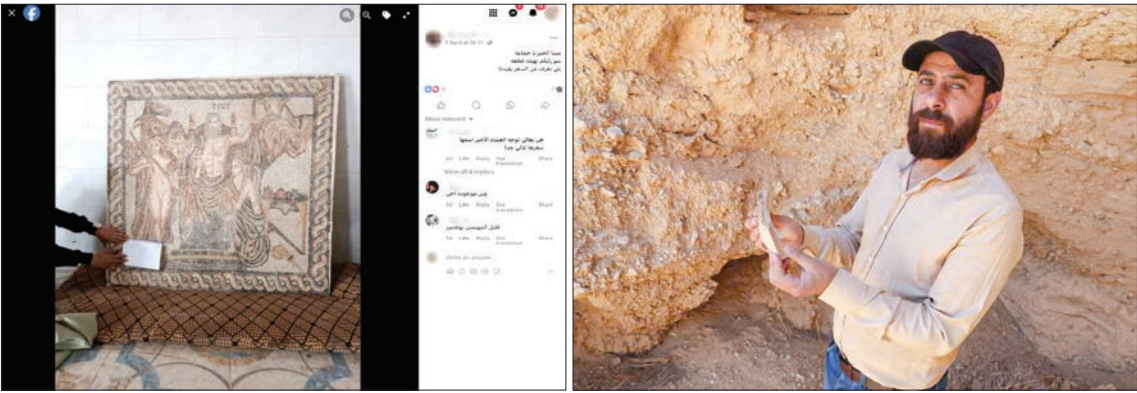
انسانی دانشگاه واقع در شیراز، خیابان کریم خان زند، روبروی خیابان فلسطین، ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز طبقه سوم مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر مذکور رای صادره قطعی و لازم الاجراء خواهد بود.

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام پدر	تاریخ تولد	شماره شناسنامه	محل صدور	مجازات
۱۴	محبوبه اکبری	مجتبی	۱۳۷۱	۲۲۸۱۳۳۰۵۲۱	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۱۵	سجاد زارع	نواز	۱۳۷۱	۲۴۲۰۳۶۴۴۱	مرودشت	اخراج از دستگاه متبوع
۱۶	شیواکاوایانی	حبیب	۱۳۷۲	۰۱۶۷۵۸۳۲۴۰	آباده	اخراج از دستگاه متبوع
۱۷	سحر صالحی	ارسلان	۱۳۷۲	۲۵۴۰۰۸۵۶۱۱	سپیدان	اخراج از دستگاه متبوع
۱۸	عقیل مولائی جهرمی	بهمن	۱۳۶۰	۴۸۷۳	تهران	اخراج از دستگاه متبوع
۱۹	محمد عباسی	خلیل	۱۳۶۲	۲۷۷۹	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۲۰	مرجان سلطانی	شهباز	۱۳۶۲	۷۷۳	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۲۱	محسن نفیسی	حیدرقلی	۱۳۶۷	۳۶۴	کوهدشت	باز خرید خدمت
۲۲	علی رحمانیان کوشکی	بهباد	۱۳۷۶	۲۴۶۰۰۳۲۸۸۴۲	جهرم	اخراج از دستگاه متبوع
۲۳	فاطمه قربانی	عزت اله	۱۳۷۴	۶۶۵۰۰۱۷۸۸۴	مرودشت	اخراج از دستگاه متبوع
۲۴	مناولی	مختار	۱۳۷۲	۲۲۸۱۵۰۰۷۵۶	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۲۵	ساناز جهانگیری	حمید	۱۳۵۹	۲۲۹۸۰۴۱۳۳۴	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۲۶	آرزو اسماعیلی	هرمزد	۱۳۷۲	۲۳۶۰۳۴۷۳۹۱	شیراز	کسر حقوق و فوق العاده شغل
۱	محمد فیضی دولت آبادی	محمدباقر	۱۳۷۲	۰۰۱۶۸۰۵۵۷۷	تهران	توبیخ کتبی درج در پرونده استخدامی
۲	ابراهیم ابراهیمی	سلمان	۱۳۷۰	۲۴۴۰۱۵۳۳۰۸	فیروزآباد	کسر حقوق و فوق العاده شغل
۳	محمد علی شاکری	پرویز	۱۳۶۵	۳۹۷۵	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۴	فاطمه رنجبر	ناصر	۱۳۷۲	۶۷۳۰۰۰۱۶۰۷	فسا	اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی
۵	راضیه روح الهی	محمد	۱۳۶۳	۴۷۵	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۶	محمدصادق صفایی	کریم	۱۳۶۷	۱۵۳۲۸	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۷	مژده اسکندری	غریب علی	۱۳۷۴	۲۲۸۱۸۵۷۳۷۹	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع
۸	سارا عزیزی	شامراد	۱۳۶۶	۶۳	مرودشت	اخراج از دستگاه متبوع
۹	امید کلاتری	اصغر	۱۳۶۳	۱۰	مرودشت	اخراج از دستگاه متبوع
۱۰	بهنام دهقان حسامپور	حمزه	۱۳۷۲	۵۱۳۰۰۳۹۴۱۶	بوانات	اخراج از دستگاه متبوع
۱۱	مرضیه زارعیان جهرمی	عبدالمجید	۱۳۵۷	۳۸۶	جهرم	کسر حقوق و فوق العاده شغل
۱۲	سارا محمدی	محمود	۱۳۷۳	۵۱۵۰۱۲۱۱۷۷	لارستان	اخراج از دستگاه متبوع
۱۳	علی باز یار	عزیز	۱۳۷۵	۲۲۸۲۱۳۰۳۹۱	شیراز	اخراج از دستگاه متبوع



پالمیرا زخمی از کلنگ و مته

تنها در سه ماه اخیر، بیش از ۵۰۰ مورد تازه از قاچاق آثار باستانی سوریه ثبت شده است. انشایی که شبانه از دل خاک بیرون می آید و روزانه در فیس بوک چوب حراج می خورند



شب‌هنگام می آیند. با کلنگ و مته برقی، خاموش و مسلح و گورستان‌های دوهزار ساله را می‌کاوند. زیر نور لیزران چراغ‌قوه‌ها، مردانی در دل ویرانه‌های پالمیرا به جان خاک افتاده‌اند، در جست‌وجوی سکه‌ای زرین، کوزه‌ای شکسته یا تندیس‌ی فراموش‌شده که در بازارهای غربی بهای هزار دلاری دارد. صبح که می‌رسد، چهره گورهای مثله‌شده پدیدار می‌شود: حفره‌هایی عمیق، بقایای موزاییک‌های شکسته و قطعات گلی پراکنده در کنار پره زنگ‌زده خمپاره‌ای. شهری که روزی نگین تاریخ خاورمیانه بود، امروز بستر میراث هزار ساله و تب طلایی شده که آن را از زیر خاک بیرون می‌کشند.

سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر گذشته، نظم آهنین دستگاه امنیتی سوریه را فرو پاشاند. فقر فراگیر، خشم انباشته و خلأ قدرت، بستری شد برای شتاب گرفتن پدیده‌ای که کارشناسان آن را «پورش نوین» به کنجینه‌های کهن می‌نامند. داده‌های پروژه پژوهشی «اطهر» که بازار سیاه آثار باستانی را رصد می‌کند، نشان می‌دهد از ۱۵۰۰ مورد مستند قاچاق از ۲۰۱۲ تاکنون، نزدیک به یک‌سوم تنها در سه ماه اخیر رخ داده‌اند. کتی پاول، مدیر پروژه، می‌گوید: «در عصر چین سبیلی از قاچاق میراث فرهنگی از هیچ کشوری ندیدیم». البته این سیل نه‌فقط از روی فقر که با وسوسه سودهای کلان تغذیه می‌شود. در پالمیرا، محمد الفارس، فعال فرهنگی، قطعه‌ای

سفال شکسته را از خاک برمی‌دارد و آن را کنار پره خمپاره‌ای می‌گذارد: نمادی تلخ از تقاطع جنگ و غارت میراث ملی. در بسیاری از مناطق، حفاری‌ها از حالت ابتدایی خارج شده و حلال‌رد دستگاه‌های سنگین دیده می‌شود. در شهر سلمیه، فیلمی از دشت برزی تل شیخ‌علی منتشر شده که در آن، هر چند متر چاهی پنج‌متری به چشم می‌خورد. یکی از محققان محلی که از ترس شبکه‌های تبهکار نامش را فاش نمی‌کند، می‌گوید: «شب و روز کار می‌کنند. مسلح هستند و جرات نزدیک شدن نداریم». در دمشق، بازار فلز پایاب رونق گرفته است. در بازار پایتخت، مدل «اکستریم هانتر» را بیش از دو هزار دلار می‌فروشند، همراه با وعده تازه روی کار آمده، وعده پادشاه برای تحویل دواطلبان آثار داده و همزمان، تهدید به ۱۵ سال زندان کرده؛ اما آنچنان درگیر تسلسط بر امور و کنترل کشور است که یارای حفاظت از میراث ملی را ندارد.

غار نگران اما تنها نیستند. شبکه‌های قاچاق حرفه‌ای وارد عمل شده‌اند: موزاییک‌ها را دست‌نخورده از دل خاک بیرون می‌کشند، بسته‌بندی می‌کنند و از طریق مرزهای اردن و ترکیه خارج می‌سازند. در مرحله بعد، با مدارک جعلی اصالت و فاکتورهای ساختگی، آثار را به بازار خاکستری غرب تزریق می‌کنند. پس از ۱۰ تا ۱۵ سال، در سالن‌های حراج قانونی اروپا و آمریکا عرضه می‌شوند، زیر نور پروژکتورها و با چکش

پنگه دنیا

نبرد در خیابان‌های لس آنجلس

با اعزام ۲ هزار نیروی گارد ملی به لس آنجلس، دولت ترامپ فصلی تازه در تقابل با ایالت‌های مهاجرپذیر گشوده است



رامتین لطیفی
دیر بین الملل

از بامداد جمعه تا شامگاه شنبه، خیابان‌های لس آنجلس، به‌ویژه محله پارامونت و مرکز شهر، به صحنه درگیری‌های پیاپی میان ساکنان معترض و مأموران فدرال بدل شد. مأمورانی با لباس نظامی، خودروهای زرهی و چهره‌های پوشیده، شبانه‌وارد میدان شدند. به گفته وزارت امنیت داخلی، در این عملیات ۱۱۸ مهاجر، از جمله پنج عضو باند‌های تبهکاری، بازداشت شده‌اند اما موج اعتراض، فراتر از بازداشت‌ها بود؛ خشم فروخته جامعه‌ای مهاجرنشین که حمله شبانه مأموران را نقض آشکار حقوق شهروندی و سنگ بنای سرکوبی سازمان یافته‌اند.

قدرت‌نمایی فدرال، بی‌اجازه ایالت

در میانه آشوب، دونالد ترامپ با امضای فرمانی بی‌سابقه، کنترل مستقیم گارد ملی کالیفرنیا را در دست گرفت و دستور اعزام ۲ هزار سرباز به لس آنجلس را صادر کرد. اقدامی نادر که آخرین نمونه مشابه آن به سال ۱۹۶۵ و اعتراضات حقوق مدنی در آلاما بازمی‌گردد. این تصمیم با دور زدن اختیارات فرماندار ایالت، گوین نیوسام و با استناد به «حده ۱۰ قانون فدرال» اتخاذ شد؛ بندی که تنها در صورت شورش یا تهدید علیه دولت فدرال، امکان مداخله مستقیم کاخ سفید را فراهم می‌کند. نیوسام این اقدام را «تحریک آمر و بی‌سابقه» خواند و هشدار داد که فدرالی شدن گارد، نه از سر تدبیر، که برای نمایش قدرت و تشدید شکاف‌ها صورت گرفته است.

طین گاز و گلوله، سکوت شهر را درهم شکست

نخستین بر خوردها عصر جمعه در پارامونت آغاز شد؛ جایی که معترضان، در برابر ساختمانی مشکوک به فعالیت‌های فدرال تجمع کرده بودند. مأموران با شلیک گاز اشک‌آور، تارنیک‌های صوتی و گلوله‌های پلاستیکی واکنش نشان دادند. روز بعد، درگیری‌ها

به مرکز شهر نیز کشیده شد؛ پلیس فدرال از بازداشت بیش از ۱۲ نفر خبر داد. در نقاطی چون منطقه پوشاک و میدان مرکزی لس آنجلس، مأموران نقاب‌دار و خودروهای بی‌نشان، فضای امنیتی و رعب‌آور ایجاد کرده‌اند. شهردار لس آنجلس، کارن باس، این وضعیت را «تلاشی سازمان یافته برای ایجاد آشوب و زمینه‌سازی سرکوب» توصیف کرد.

قانون در حاشیه، حقوق در محاصره

منتقدان می‌گویند آنچه در لس آنجلس رخ می‌دهد، نه تنها اجرای قانون مهاجرت، بلکه بخشی از نمایش انتخاباتی ترامپ و پروژه سیاسی اوست. ژانت زانیپاتین، وکیل مهاجرت، هشدار داده که دولت «در حال زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین مهاجران و نابودی فرآیند دادرسی عادلانه» است. به گفته او، کاخ سفید با عبور از مرزهای قانونی، «توازن میان قوا را تضعیف و استقلال قضایی را تهدید» می‌کند.

نقاب برای مأموران آزاد، برای معترضان ممنوع

دروچ ناآرامی، ترامپ در شبکه اجتماعی‌اش خواستار ممنوعیت استفاده از ماسک برای معترضان شد: «اگر چیزی برای پنهان کردن ندارند، چرا چهره‌شان را می‌پوشانند؟» این در حالی است که بسیاری از مأموران فدرال، به گفته مقام‌های رسمی، به دلایل



لوپاریزین فرانسه، عکس و تیترا اصلی خود را به واکنش امانوئل مکرون به فعالان محیط زیست اختصاص داد. مکرون به آنها گفت «من به درس‌ها و موعظه‌های محیط زیستی شما نیازی ندارم.»

آریزونا ریپابلیک آمریکا، عکس و تیترا اصلی خود را به آتش‌سوزی سال گذشته پالیسیدز لس آنجلس اختصاص داد و آن را سناریویی دانست که دیر یا زود در آریزونا به وقوع خواهد پیوست.

رقص خونین زیر نور آفتاب

در ۸ ژوئن ۲۰۲۵، بیش از ۱۲ هزار تماشاگر در آمفی تئاتری باستانی در فرانسه، شاهد رقص مرگبار ماتادوری بودند که سالانه بیش از ۵۰ میلیون یورو گردش مالی ایجاد می کند



مستر بیست، چهره سرشناس دنیای مجازی، در جدیدترین ویدیوی خود اقدامی بی‌سابقه انجام داد و کل پارک دیزنی‌لند را برای یک شب رمانتیک به نامزدش اختصاص داد. این اقدام که هزینه‌ای بالغ بر ۵۰۰ هزار دلار داشت، نقطه اوج چالش‌ی بود که در آن قرارهای عاشقانه از یک دلار تا این مبلغ به نمایش در آمد. مدیسون بیر، از شخصیت‌های برجسته شبکه‌های اجتماعی، نیز در این ویدیو حضور داشت و بر جذابیت آن افزود. این شب ویژه با گشت‌وگذار در فضای جادویی دیزنی‌لند، تجربه سواری‌های هیجان‌انگیز و صرف شام در فضایی رویایی رقم خورد. مستر بیست با این حرکت، نه تنها محبت خود را به شکلی کم‌نظیر ابراز کرد، بلکه بار دیگر توانایی خود در خلق لحظات به یادماندنی را به اثبات رساند. این رویداد اکنون به موضوعی داغ در میان هواداران تبدیل شده است.

عکس روز

رقص خونین زیر نور آفتاب

در ۸ ژوئن ۲۰۲۵، بیش از ۱۲ هزار تماشاگر در آمفی تئاتری باستانی در فرانسه، شاهد رقص مرگبار ماتادوری بودند که سالانه بیش از ۵۰ میلیون یورو گردش مالی ایجاد می کند



گاوبازی، رویدادی کهن و جنجالی، ریشه در فرهنگ اسپانیا و جنوب فرانسه دارد و به عنوان یکی از نمادهای هویتی این مناطق شناخته می‌شود. این سنت از قرن ۱۷ میلادی در شبه‌جزیره ایبری شکل گرفت و با گذشت زمان به فرمی نمایشی و سازمان یافته تبدیل شد که ترکیبی از شجاعت، مهارت و زیبایی‌شناسی است. در شهر «تیم» آمفی تئاتر رومن باستانی که قدمت آن به قرن اول پس از میلاد بازمی‌گردد، با گنجایش ۱۳۰۴ هزار نفر، میزبان این رویدادهای پرشکوه است. این مکان تاریخی، با دیوارهای سنگی و معماری باشکوهش، فضایی حماسی برای گاوبازی ایجاد می‌کند. فصل گاوبازی به طور معمول از اواسط بهار تا اوایل پاییز ادامه دارد و هر رویداد ممکن است با مراسم افتتاحیه‌ای شامل رژه ماتادورها و موسیقی سنتی، تا چند ساعت به طول انجامد. هر مبارزه اصلی نیز بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه زمان می‌برد اما کل برنامه با وقفه‌ها و نمایش‌های جانبی می‌تواند بیش از دو ساعت طول بکشد.

نگاهی به تماشاگران و اقتصاد این رویداد

در روزهایی مانند ۸ ژوئن ۲۰۲۵، آمفی تئاتر زیبای «تیم» مملو از بیش از ۱۲ هزار تماشاگر از سراسر جهان است که برای تجربه این نمایش مهیج گرد هم می‌آیند. بلیت‌ها از ۲۰ یورو برای صندلی‌های ساده تا ۱۵۰ یورو برای جایگاه‌های وی‌آی‌پی متغیرند و تقاضا برای این رویدادها به‌ویژه در تعطیلات و

روزهای تعطیل به اوج می‌رسد. صنعت گاوبازی در فرانسه سالانه بین ۵۰ تا ۶۰ میلیون یورو گردش مالی ایجاد می‌کند که شامل هزینه‌های پرورش گاوها، مخصوص، طراحی و دوخت لباس‌های ماتادورها، تبلیغات و زیرساخت‌های رویداد است. لباس‌های تزئینی ماتادورها، که با دست و با استفاده از ابریشم، طلا و نقره تزئین می‌شوند، هر دست آنها می‌تواند بین ۲ تا ۵ هزار یورو ارزش داشته باشد و گاهی برای رویدادهای خاص سفارشی ساخته می‌شوند. این صنعت همچنین برای صدها نفر، از جمله دامدارها، خیاط‌ها و کارگران آمفی تئاتر، اشتغال‌زایی می‌کند.

چوانب فرهنگی و انتقادی

گاوبازی فراتر از یک ورزش یا سرگرمی است؛ آیینی فرهنگی که احساسات متفاوتی را برمی‌انگیزد. برای طرفداران، این نمایش نمادی از شجاعت، هنر و ارتباط عمیق انسان با طبیعت است. ماتادورها با حرکات دقیق و رقص ماندشان، گاو را به چالش می‌کشند و این نبرد را به اثری هنری تبدیل می‌کنند. اما منتقدان این سنت را خشونت علیه حیوانات می‌دانند و کمپین‌های متعددی برای ممنوعیت آن در اروپا راه‌اندازی شده است. در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای مدرنیزه کردن گاوبازی مشاهده شده

است، از جمله کاهش تعداد گاوها در هر رویداد که اکنون از ۶ به ۴ کاهش یافته و استفاده از روش‌های ایمن‌تر برای ماتادورها، مانند کلاه‌های محافظ. با این حال، در نیم و مناطق دیگر، این سنت همچنان با قدرت ادامه دارد و به عنوان بخشی از میراث فرهنگی حفظ می‌شود. در این قاب و زیر نور آفتاب سوزان نیم، سیاستین کاستلایا لباس پر نقش و نگارش، لحظه‌ای از آرامش پیش از نبرد تمام زیبایی و جنجالش، همچنان را تجربه می‌کند. این رقص خونین، با جدایی ناپذیر از هویت منطقه‌ای است که تاریخ باستانی و مدرنیت را در هم می‌آمیزد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



شوک هالیوود: جرد لتو در گرداب اتهامات آزار جنسی!

جرد لتو، ستاره برنده اسکار و خواننده گروه «ترتی سکندز تو مارس»، در مرکز جنجالی بزرگ قرار گرفته است. مقالهای افشاگرانه در نشریه «ایر میل» ادعاهای تکان‌دهنده ۹ زن را منتشر کرده که لتو را به آزار جنسی متهم کرده‌اند. الی تلنر، دی‌جی اهل لس آنجلس، مدعی است لتو در ۱۷ سالگی او را مورد آزار قرار داده و رفتارش را «وحشیانه» توصیف کرده است. دیگر مدعیان از تماس‌های تلفنی نامناسب، پیام‌های جنسی و رفتارهای غیر اخلاقی در ملاقات‌های حضوری سخن گفته‌اند، از جمله زنی که ادعا می‌کند لتو در ۱۶ سالگی او هدف قرار داده و در تماس‌های نیمه‌شب حرف‌های جنسی زده است. نماینده لتو این اتهامات را قاطعانه رد کرده و مدعی است ارتباطات او ناشایست نبوده و برخی شاکیان حتی خواستار همکاری با او بوده‌اند. این رسوایی که یادآور حاشیه‌های پیشین لتو مانند ارسال هدایای جنجالی برای همبازنش است، موجی از واکنش‌ها را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخته و بار دیگر موضوع آزار جنسی در هالیوود را به کانون توجه بازگردانده است. این ماجرا شباهت‌هایی به پرونده کوین اسپیسبی دارد که در سال ۲۰۱۷ با اتهامات مشابهی مواجه شد. اسپیسبی در دادگاهی در لندن در سال ۲۰۲۳ از اتهامات آزار جنسی علیه چهار مرد تبرئه شد و در پرونده‌ای دیگر در نیویورک نیز در سال ۲۰۲۲ از اتهام آزار آنتونی رپ تبرئه شد. با این حال، اسپیسبی همچنان با دعاوی مدنی در بریتانیا مواجه است که نشان‌دهنده ادامه چالش‌های حقوقی اوست.

تحلیلی بر نقد ها و تحسین های

کنسرت علیرضا قربانی در ورزشگاه آزادی

کنسرتی که هم تاریخ ساز شد و هم حاشیه ساز

- آزادی، آرزوی تاریخی دست یافتنی عرصه موسیقی شد
- رویدادی فرهنگی در مکانی نمادین، تماشاچیان فوتبال برای کنسرت فراخوانده شدند



علیرضا قربانی، خرداد امسال را متفاوت کرد! در روزهای پایانی اردیبهشت خبر آمد که قربانی در آغاز سومین ماه سال، کنسرتی در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد کرد. کنسرت او به تنهایی عاملی است تا یکی از مهم ترین خبرهای حوزه موسیقی باشد و توجه بسیاری را به خود جلب کند. بسیار به معنای واقعی؛ دربرگیرنده مخاطبان باسلاقی مختلف که همگی به او اقبال نشان می دهند. مکان برگزار کنسرت نیز عامل دوم بود. ورزشگاه آزادی مزید بر علت شد تا این خبر با تمام آنچه همزمان در حال اجرا بوده و خواهد بود، حتی از کنسرت های پیشین قربانی متفاوت به نظر بیاید و در کانون توجه قرار بگیرد. دو هفته از آغاز کنسرت در ورزشگاه آزادی گذشته است. ۱۰ شب، علیرضا قربانی روی صحنه خواننده است و همان طور که انتظار می رفت این رویداد در صدر مباحث هنری قرار دارد. مخاطبان هر کدام بعد از تجربه حضور در ورزشگاه آزادی، این بار به وقت تماشای یک کنسرت، آن را نوشتند و منتشر کردند. خبرنگاران زیادی هم این اولین تجربه را از دست ندادند و گزارشی حول آن نوشتند. تضارب آرا و تکتشر نظرات اما، در خصوص این رویداد مشخص فراتر از انتظار بود. با پذیرش اینکه هر فردی به تناسب سلیقه، نگاه و انتظار می تواند حس متفاوتی از یک تجربه مشترک با دیگران داشته باشد، این بار فاصله نقدها و ستایش ها چنان از هم دور بود که تمیز حقیقی بودن آن و اعتبار بخشی به یک سمت عملا ناممکن به نظر می رسد. آنچه در ادامه می آید تجمیعی از نظراتی است که حول این رویداد مهم تاکنون گفته و منتشر شده است. نقدها و ستایش هایی که مخاطب به کنسرت نرفته را برای پذیرش نهایی یک سو، سر درگم می کند.

رویدادی که در تاریخ خواهد ماند

با وجود نظراتی که آورده شد، آنچه مهم است ذات یک رویداد مهم فرهنگی در یک مکان مهم نمادین است. دلایلی که می تواند انگیزه ای برای احترام به این کنسرت باشد و در عین حال نکاتی که برای بهبود شرایط در صورت تکرار چنین رویدادهایی در مکان های متفاوتی چون ورزشگاه آزادی مورد توجه قرار بگیرد تا اتفاقی استاندارد از یک رویداد هنری در سطح جهان را رقم بزند.

ورزشگاه آزادی، نماد یا فرصت؟

ورزشگاه آزادی حالا ۵۴ ساله است. هنوز بزرگ ترین و نمادین ترین ورزشگاه ایران است. همچنان فرصتی برای پیدا شدن رقیبی برای آن فراهم نشده. حرف ها زده شده، قول ها داده شده، کلنگ ها در هوا مانده اند؛ اما آزادی پیر هنوز در صدر جدول قرار دارد. آزادی هنوز مایه مباحث ماست، مانده از روزگار دور. همین نماد مباحث که روزی برای میزبانی رقابت های بزرگ ورزشی با رویکرد مدرن و چند منظوره طراحی شده، تا پیش از خرداد امسال، بیشتر میزبان رقابت های ورزشی بود. در میان کارکرد اصلی که از این ورزشگاه انتظار می رفت، گهگاه آزادی بستری برای عرصه های غیرورزشی هم شده است. تجمع های بزرگ، مراسم های رسمی، اندک اجراهای هنری که همگی مطابق با ادبیات رسمی حکومت بوده است اما در تمام آنچه رخ داده، جای موسیقی خالی بود. موسیقی، نه با آن دفعات اندکی که صدایی در ورزشگاه آزادی پیچید؛ صدای خوانندگانی که در میان چمن ورزشگاه آزادی ایستادند و به صورت زنده برای تماشاچیان حاضر خواندند؛ دیگر هیچ گاه و به شکل تخصصی اش شنیده نشد. نمونه های این مورد گرچه هم راستا با نمونه های غیرایرانی و با استفاده از کاربرد ورزشی- موسیقی ورزشگاه ها اتفاق افتاد، اما انگشت شمارند. رضا صادقی، حامد همایون، علی عبدالملکی، محسن ابراهیم زاده، هوروش بند، زاتکو، حامد همایون، رضا یزدانی، بهنام بانی و برخی دیگر از همین معدود خوانندگان پاپ بودند که فرصت خواندن در آزادی را پیدا کردند. آنان به بهانه رویدادهای ورزشی، قهرمانی یکی از تیم های پایتخت در میانه چمن های آزادی روی جایگاه قرار گرفتند، خواندند، اجرایشان به صورت زنده از تلویزیون پخش شد؛ اما هیچ کدام از منظر موسیقایی در جایگاه کنسرت قرار نگرفتند.

آزمون و خطای فالش!

استقبال میلیونی از کنسرت علیرضا قربانی اتفاق افتاد. در شرایطی که فضای باز ورزشگاه آزادی میزبان ۷۵۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر است، تماشاچای میلیونی چیزی دور از انتظار نیست. اما در این کنسرتی که در ۱۰ شب، تعداد زیادی مخاطب را به خود جلب کرده است، صدای قربانی مثل همیشه نبوده. برخی به کیفیت صدا معترض اند؛ گروهی آن را فالش خوانی خواننده می دانند و گروهی آن را مشکلات سیستم های پخش موسیقی در فضای باز دانسته اند. این گروه دوم، با اشاره به اینکه اجرا در چنین فضاهایی تاکنون تجربه نشده و به تناسب امکانات برای چنین اجراهایی با وجود ندارد یا آزمایش نشده است، این انتخاب را یک آزمون و خطا دانستند. آزمون و خطایی که باید پیش از آغاز کنسرت بررسی و در بهترین حالت برای یک کنسرت عظیم اجرا می شد.

کیفیت متناسب با قیمت، مسئله این روزها

بخشی از این انتقادهای به گردش مالی ای که همین سلسله اجرا در ورزشگاه آزادی رقم خواهد زد، اشاره می کند. برخی کیفیت صدایی که در این کنسرت شنیده اند را چنان دور از انتظار دانستند که با احتساب میانگین قیمت بلیت و درآمدی نزدیک به شبی بیش از هشت میلیارد تومان، از انتظار برآورده نشده شان می گویند. انتظاری که از خواننده ای مثل علیرضا قربانی، همراهی با گروه ارکستر و البته چنین اجرای عظیمی وجود داشته است. انتظار و توقع مخاطبان البته منوط به اجرای قربانی نمی شود. با افزایش قیمت بلیت کنسرت ها که حالا دیگر آن را تبدیل به تفریح گروه خاص کرده، انتظارات نیز افزایش پیدا کرده اند. دیگر مخاطب در ازای پرداخت هزینه ای تفاوت توقع کیفیت درجه یک دارد نه هر آنچه بشود نامش را کنسرت گذاشت.

سیناترا تنها کنسرت به وقت آزادی

آزادی، کنسرت موسیقی تا پیش از این را یکبار به خود دیده بود. کنسرتی که در میانه دهه ۵۰ در ورزشگاه آزادی برگزار شد، کنسرت یک چهره موسیقی جهان. فرانک سیناترا، تنها خواننده ای بود که در میانه آزادی کنسرت برگزار کرد. ارکستر کامل سیناترا را همراهی می کردند و او مجموعه ای از ترانه های مشهور خود را در بزرگ ترین ورزشگاه ایران بازخوانی کرد. آنچه در سال ۱۳۵۳ برای اولین و آخرین بار تجربه شد، برگزاری کنسرتی با کیفیت صدابرداری، نورپردازی در حد استانداردهای بین المللی بود. استادپوم آریامهر آن روزگار این تک لحظه موسیقایی را در حافظه خود ثبت کرد تا روزگاری که آزادی شد.

آرزوهایی که در خاک رفتند، منتظر ماندند

آزادی بعد از آن تجربه ناب، در همه این سال ها تنها با یک کاربری تعریف شد. تمام سال هایی که بسیاری از خوانندگان از آرزوی شان برای اجرا در آزادی گفتند و هیچگاه به آن نرسیدند. از سبب هم قربانی گوش داد و هم از آن خواننده ها که افکت صدای شان را با تکان دادن میکروفن شبیه هلی کوپتر می کنند تا تماشاچای کنسرت برایشان جیغ بکشد! اینکه قربانی خواننده ای با استانداردهای موسیقایی هست یا نه، این که او از نظر نزدیک تر، سهراب پورناظری که آرزویش را در صحنه اینستاگرامش منتشر کرد تا به یادگار بماند و روزی برآورده شود. «به امید روزی که روی این چمن، بزرگ ترین کنسرت ایران را ببینیم».

موسیقی، نه بهر بهر داری موسیقایی؛ آرزوی آزادی

با تجربه پر از حسرت و آرزو که این استادپوم ۶۴ سال پیش تاکنون بر شانه خود داشته، سرانجام علیرضا قربانی توانست این طلسم را بشکند. قربانی بعد از فرانک سیناترا، تنها خواننده ای است که در ورزشگاه کنسرت برگزار کرد. حتی اگر این اولین بار تمام آنچه باید نباشد و قربانی کنسرت خود را در فضای باز اجرا کرده باشد نه در میانه ورزشگاه، اما در نهایت این یک گام مثبت برای رسیدن به آرزوهایی است که بسیاری شان از دست رفته اند. آزادی پیر سرانجام بعد از بیش از شش دهه چهره دیگری از خود را به منصف ظهور گذاشت. کاربری متفاوتی که در کشور های دیگر جهان یک امر عادی و پذیرفته شده در خصوص ورزشگاه هاست. این نخستین گام

موسیقی یا تجارت؟

نکته دیگر بیان شده از نگاه رسانه ای به این رویداد می آید. عکس یادگاری با علیرضا قربانی! این یکی از حواشی کنسرت برای توجه به مخاطب است. تیم های عکاسی از مخاطبان در محل اجرا عکاسی می گیرند، آنان را دعوت می کنند برای دریافت عکس اختصاصی شان هزینه اندکی پرداخت و آن را در اختیار داشته باشند. برخی این شیوه عکاسی را بیشتر متناسب با فضاهای گردشگری مثل تفریح گاه ها و یا رویدادهای ورزشی دانستند؛ و تلفیق این اقدام را در قالب یک کنسرت گران قیمت! دور از انتظار خواندند. همین کنسرت علیرضا را قربانی را بیش از یک رویداد هنری به یک اقدام تجاری شبیه کرده است که بسیاری از آن ناراضی اند.

تجربه ای که با تماشای دربی تفاوتی نداشت

نقدهای این کنسرت چنان با جزئیات همراه بود که پرداخت به همه آنچه مخاطبان و خبرنگاران از آن نوشتند نیاز به فضای بیشتری دارد. از اینکه چرا در فلان شب اجرا توفان شده و تمهیدی برای کنسرت روباز اندیشیده نشده، تا اینکه صدای های کنسرت از نظر برخی نه تنها راحت نبودند که حتی در شأن یک کنسرت با این قیمت بلیت نبوده است. برخی هم هدف خود را مشخصا علیرضا قربانی قرار داده اند و او را دور شده از مسیر هنری اش توصیف کردند. از نظر آنان قربانی با این کنسرت نشان داد که وارد فضای تجاری موسیقی شده است. مجموع این نظر و نقدها اما در نهایت حضور در کنسرت این خواننده محبوب آن هم در ورزشگاه آزادی را یک تجربه متفاوت و دوست داشتنی دانستند؛ هر چند که این تجربه، تفاوت چندانی با تجربه تماشای یک بازی دربی در استادپوم آزادی نداشته باشد!

حس اجرای بین المللی در آزادی

در مقابل اما بسیاری نسبت به این کنسرت نه تنها خوش بین که آن را صاحب استانداردهای لازم دانستند. آنان در برشمرن استانداردها هم پای نقدها همان قدر جزئی نگر بودند که از اولین اجرا در فضای باز و ورزشگاه آزادی عبور کردند و به جایگاه بزرگ و مرتفع صحنه، نورپردازی چند لایه در محوطه ای چون ورزشگاه، تا جنس صدای رسیدند! این تحسین کنندگان، جزئیات این تجربه را دلیلی برای درک حس یک اجرای بین المللی دانستند.

مخاطب بی سرگردانی

مهندس صدای این کنسرت نیز توضیحی درخصوص استفاده از کیفیت سیستم صوتی مورد استفاده گفته که پاسخی برای فالش خوانی و بی کیفیتی مورد نقد باشد. یکی از ویژگی های لحاظ شده در این اجرا این است که کیفیت صدا در هر گوشه فضای طراحی شده به گوش مخاطب یکسان خواهد رسید. نمایشگرهای نصب شده برای این محیط وسیع نیز یکی دیگر از تمهیداتی است که گروه اجرایی، در نخستین تجربه برگزار کنسرت در فضای باز مورد توجه قرار داده اند. نظم چنین فضایی در حالی که در کنسرت های فضای بسته و سالن های ویژه کنسرت هم در بسیاری مواقع با به هم ریختگی و مشکل مواجه است، یکی از نقاط قوت است. مخاطب سرگردان نمی شود.

«ایرانم» نمره قبولی گرفت

تحسین کنندگان به جز جزئیاتی که مورد توجه قرار می دهند در نهایت این کنسرت را با این سطح و در اولین تجربه این چنینی در ایران، موفقیتی بزرگ به حساب می آورند. «ایرانم» مورد قبول قرار گرفته است و تبدیل به تجربه متفاوتی شده است.



برای تحقق آرزوی بزرگ فرهنگی است که نه تنها هنرمندان مختلف که مردم نیز بر بستر این استادپوم انتظارش را داشتند. ظرفیت کمتر مورد توجهی که با حضور علیرضا قربانی قطعاً می تواند آغاز یک رویه تازه باشد. رویه ای موسیقایی نه چون اتفاقات گذشته بهره روری از موسیقی در قالب رویدادهای سیاسی و ورزشی آن هم معدود و انگشت شمار.

علیرضا قربانی، خواننده ای محبوب یا استاندارد

علیرضا قربانی، یکی از قابل اعتنا ترین خوانندگان این روزهاست. این مدعای قابل تذیبی نیست. قربانی روی ذهن مخاطب تأثیر گذاشته و حالا دایره بزرگی با سلاقی مختلف را به خود جلب کرده است. او با موسیقی تلفیقی اش هم مخاطب پاپ را مشتاق خود کرده، هم مخاطب سنتنی. تفاوتی هم نمی کند کسی که به صدای او گوش می دهد در پلی لیست اش نمونه های عجیبی از دیگر خوانندگان پاپ این روزها هم داشته باشد. می شود هم قربانی گوش داد و هم از آن خواننده ها که افکت صدای شان را با تکان دادن میکروفن شبیه هلی کوپتر می کنند تا تماشاچای کنسرت برایشان جیغ بکشد! اینکه قربانی خواننده ای با استانداردهای موسیقایی هست یا نه، این که او از نظر نزدیک تر، سهراب پورناظری که آرزویش را در صحنه او در مسیری موسیقی انتخابی اش موفق عمل کرده یا نه؛ همگی مباحث تخصصی است که در این مقال و به این قلم قابل بررسی نیستند. آنچه قابل تأکید است، فقط اینکه محبوبیت و شهرت علیرضا قربانی در امروز عرصه موسیقی قابل اعتناست.

نقد تخصصی یا انتظار مخاطب؛ فرسنگ ها فاصله

در سال های گذشته بارها، بسیاری از کارشناسان حوزه موسیقی، به نقد چهره های محبوب این سال ها پرداختند. همگی از نگاه تخصصی؛ به خوانندگی، شعر، موسیقی و حتی سلیقه خوانندگانی که عرصه موسیقی در سال های اخیر در دستان شان بوده پرداخته اند. علیرضا قربانی همواره یکی از خوانندگانی بوده که در لیست مورد بررسی کارشناسان و متخصصان قرار داشته است. همین حضور دلیلی بر اعتنای حضور اوست. پس جدای از نقد یا تحسین هایی که در تمام دوران فعالیت به او وجود داشته، کیفیت برگزاری کنسرت بحثی است که مخاطب عادی نیز

به وقت تماشای می تواند از آن سخن بگوید. تفاوت ندارد کنسرت قربانی یا کنسرت یک خواننده یک شبه خواننده شده باشد. آنچه مخاطب از کیفیت انتظار دارد برآمده از سطح سلیقه و خواست فردی اوست. تماشاچیان یک کنسرت انتظار دارند در ازای بهایی که برای خرید بلیت پرداخت می کنند از کیفیت مطلوبی بهره ببرند. گرچه همین کیفیت مطلوب آنان شاید با نظر تخصصی فرسنگ ها فاصله داشته باشد. قربانی در تمام کنسرت هایش، به جز دوتای آن ها توانسته مخاطب را از خود راضی نگاه دارد.

تماشاچیان فوتبال برای کنسرت فراخوانده شدند

از سوی دیگر انتخاب آزادی، تحقق یک روای دور است. روای دیرین بسیاری که، حالا به نام علیرضا قربانی ثبت شده است. این نه تنها نقطه امیدوارکننده ای برای مخاطبان موسیقی و تماشاچیان علاقه مند به استادپوم آزادی است که حتی نقطه عطفی در کارنامه این خواننده نیز به حساب می آید. همین که او توانست تماشاچیان همیشگی فوتبال را این بار به استادپوم فراخواند که به جای تماشای ۹۰ دقیقه رویداد ورزشی، به تماشای یک کنسرت بزرگ بنشینند. این که ورزشگاه آزادی بعد از ۶۴ سال کاربری دیگری برای مخاطب ایرانی پیدا کرد. آنچه پیش از این در کشورهای مختلف دنیا دیده شده و در ذهن بسیاری یک اتفاق دست یافتنی در ایران بود. دیدن مایکل جکسون در استادپوم های عظیم سه قاره در دهه ۹۰، یکی از نمونه های همین خواست دیر یافته بود.

موسیقی در آغوش آزادی مبارک است

فارغ از نقدها و تحسین هایی که به کنسرت علیرضا قربانی شده است؛ ذات این اتفاق را به تنهایی می توان مبارک دانست. آزادی حالا معنای دیگر در عمر خود یافته است، حتی اگر کنسرتی که برای اولین بار و آن هم نه در میانه ورزشگاه که در فضای باز برگزار شده از کیفیت مطلوب و استاندارد برخوردار نبوده باشد. آنچه در حافظه تاریخی- موسیقایی ایران ثبت خواهد شد، نخستین کنسرت موسیقی در تاریخ جمهوری اسلامی، دومین کنسرت در ورزشگاه آزادی بعد از فرانک سیناترا است. گرچه امید این است دومی، به سرنوشت کنسرت نخست دچار نشود و گشایشی برای یک مسیر تازه باشد؛ نه آغازی که تا پایان عمر ورزشگاه آزادی تمام شود.

تعرفه‌هایی که بازار هنر را لرزاندند

آرت نیوز پیپر: جور جینا آدام

در حالی که ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ سهمی معادل ۴۲ درصد از فروش جهانی هنر را در اختیار داشت، تعرفه‌های پیشنهادی ترامپ با افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی بر واردات آثار هنری از چین، اروپا، مکزیک و کانادا، لرزهای بر اندام این بازار انداخته است. دلان هنری پیش‌بینی می‌کنند فشار هزینه‌ای بر دوش خریداران، به ویژه در بازار میان‌رده، منجر به کاهش تقاضا شود. فرانسس پتی از شرکت گندر وایت توصیه می‌کند مجموعه‌داران، پیش از اجرایی شدن این سیاست‌ها، خریدهای خود را در رویدادهایی چون آرت بازل میامی نهایی کنند. در این میان، بخش آمریکای لاتین نیز در تیررس قرار گرفته. نقاشی ۲۸.۵ میلیون دلاری «لئونورا کارینگتون» و مجسمه‌ای با بهای ۱۱.۴۶ میلیون دلار، شاهدانی هستند بر رونق هنر مکزیک. رونقی که اکنون در سایه‌ای از بیم فرو رفته است.

لویی ویتون، هرمس و زارا؛ برندهایی در شوک تعرفه

ترکیب گزارش‌های بیزینس اینسایدر، nss magazine، روبترز



تب تعرفه‌ها از دنیای هنر فراتر رفته و صنعت مد را نیز درگیر کرده است. برندهای لوکس همچون «لویی ویتون» و «هرمس» برای جبران هزینه‌های ناشی از تعرفه‌های ۱۰ درصدی بر واردات اروپایی، قیمت محصولات محبوبی چون کیف Speedy و Neverfull ۳۰ را افزایش داده‌اند. در سوی دیگر طیف، برندهای فست‌فشن نظیر «شین» و «تمو»، که پیش‌تر با معافیت‌هایی در واردات روبه‌رو بودند، حالا مجبور به بالا بردن قیمت‌های خود شده‌اند. تصمیمی که زنگ خطری برای مصرف‌کنندگان آمریکایی با بودجه محدود است. برندهایی همچون «زارا» و «مانگو» نیز که زنجیره تأمین‌شان به کشورهای آسیایی متکی است، از فروردین ۱۴۰۴ تحت فشار تعرفه‌های ۴۶ تا ۴۹ درصدی قرار گرفته‌اند. تعرفه‌هایی که نه تنها قیمت نهایی را بالا برده بلکه طرح‌های توسعه‌ای آن‌ها در بازار آمریکا را نیز متوقف کرده است.

زنجیره تأمین زارا

و مانگو زیر تیغ تعرفه‌ها

ترکیب گزارش ووگ بیزینس، WWD و بیزینس آو فشن

با افزایش تعرفه‌های آمریکا بر واردات از کشورهای جنوب شرقی آسیا، برندهایی چون «زارا» و «مانگو» با افزایش قابل توجه هزینه‌های تولید مواجه شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که این فشارها، به افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت نهایی در فروشگاه‌های آمریکا انجامیده است. برنامه‌های توسعه فروشگاه‌های این برندها در ایالات متحده به حالت تعلیق درآمده و زنجیره‌های تأمین جهانی‌شان با تأخیر، هزینه‌های بالاتر و عدم قطعیت روبه‌رو شده‌اند. این وضعیت نه تنها برای صنعت مد، بلکه برای کارگران کارخانه‌های آسیایی نیز نگران‌کننده است.



هشدار میسی، نور دستروم و سنای آمریکا به سیاست‌های ترامپ

برگرفته از نیویورک تایمز و پولیتیکو

در بحبوحه افزایش تعرفه‌های وارداتی آمریکا، خرده‌فروشان بزرگ مانند میسی و نور دستروم، در نامه‌ای هشدار آمیز به ترامپ، پیامدهای افزایش قیمت و کمبود کالا را گوشزد کردند. در این میان، جاک شومر، رهبر دموکرات‌ها در سنا، از افزایش ۴۰۰۰ دلاری هزینه سالانه زندگی برای خانوارهای آمریکایی سخن گفت و سیاست‌های تجاری ترامپ را زیر تیغ انتقاد برد. لابی‌های مد اکنون در مرکز تنش قرار گرفته‌اند که توازن میان رقابت‌پذیری اقتصادی، حمایت از تولید داخلی و قدرت خرید مصرف‌کننده را بر هم زده است. تنش که نه فقط بر فروشگاه‌ها بلکه بر نتایج انتخابات نیز اثرگذار خواهد بود.



بازار هنر

در سایه روشن سیاست

آرت نیوز پیپر: دانیل گرن

با شدت گرفتن گمانه‌زنی‌ها درباره تعرفه‌های جدید، بسیاری از مجموعه‌داران بازار آثار عتیقه و هنری میان‌رده، خریدهای خود را به تعویق انداخته‌اند. هرچند کلکسیونرهای بزرگ هنوز فعال‌اند، اما حتی آنان نیز به ناچار با استراتژی‌هایی محافظه‌کارانه و هزینه‌های بالاتر پیش می‌روند. نوسان در تصمیم‌گیری، بازار هنر را وارد مرحله‌ای از رکود موقت کرده است. رکودی که پیش‌بینی می‌شود در صورت تصویب تعرفه‌ها، پایدار تر شود.

افزایش قیمت کیف‌های لویی ویتون و گوچی در واکنش اروپایی

ترکیب روبترز و بیزینس آو فشن

در پاسخ به سیاست‌های تجاری ترامپ، اتحادیه اروپا نیز از آوریل ۲۰۲۵ تعرفه‌های جدیدی بر محصولات آمریکایی وضع کرده است. برندهای لوکس فرانسوی، از جمله «لویی ویتون»، «هرمس»، «گوچی» و «سن لوران»، برای مقابله با این شرایط، قیمت محصولات خود در آمریکا را افزایش داده‌اند. در حالی که بازار آمریکا حدود ۲۵ درصد در درآمد برندهای اروپایی را تشکیل می‌دهد، تهدید اروپا به اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه بر صادرات پوشاک آمریکا، چشم‌انداز روابط تجاری را بیش از پیش تیره کرده است.



تأثیر جنگ تعرفه‌ها بر صنعت مد و دنیای هنر

درزی که ترامپ بر بازار مد انداخت



گروه فرهنگ و هنر | زمانی فقط صنعت فولاد و خودرو در تیررس سیاست‌های اقتصادی دونالد ترامپ قرار داشتند. حالا اما نوبت به صنعت مد رسیده است. صنعتی پر زرق و برق و جهانی که به شدت به زنجیره‌های پیچیده تأمین وابسته است. با آغاز جنگ تعرفه‌ها موجی از نگرانی و شوک در سراسر بازارهای مد و کالاهای لوکس پیچید. تعرفه‌هایی که بسیاری آن را آغاز یک بازگشت تاریخی به مرزهای ملی، تولید بومی و موانع تجاری می‌دانند. این بسته تعرفه‌ای شامل ده درصد عوارض پایه برای همه واردات به ایالات متحده است، اما کشورهایی که به تعبیر ترامپ «بدترین متخلفان تجاری» شناخته می‌شوند، با نرخ‌های بسیار بالاتری مواجه‌اند. در میان این کشورها، تعدادی از مهم‌ترین گره‌های زنجیره تولید مد جهانی قرار دارند. از چین و ویتنام گرفته تا پاکستان و اتحادیه اروپا.

اختلالی که تمام جهان را تحت تأثیر قرار داد

چین، کارخانه عظیم مد جهان که برندهایی همچون «زارا» و «پرادا» بخش بزرگی از تولید خود را به آن سپرده‌اند، حالا با تعرفه‌ای معادل ۵۴ درصد روبه‌رو است. ویتنام، تولیدکننده نیمگی از کفش‌های «نایک»، با ۴۶ درصد و پاکستان، تولیدکننده کلبی جین، با ۲۹ درصد مواجه شده‌اند. تعرفه‌های بنگلادش ۳۷ درصد و برای اتحادیه اروپا که حدود ۷۰ درصد بازار جهانی کالاهای لوکس را در اختیار دارد، ۲۰ درصد تعیین شده است. در این میان، حتی کشورهایی که در نگاه اول نقش کلیدی در صنعت مد ندارند نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. کامبوج که سهم کوچکی در تأمین الیسه دارد، حالا با نرخ ۳۳ درصدی درگیر شده است. فیلیپین که در تولید نخ و برخی قطعات جانبی نقش دارد باید با نرخ ۳۷ درصد دست‌وپنجه نرم کند. این بدان معناست که نه فقط لباس تولید شده که به دست مشتری می‌رسد، بلکه تک‌تک اجزای تولید آن از دوک نخ گرفته تا دکمه و برچسب، ممکن است به تورم مبتلا شوند. اثر این تعرفه‌ها اما فقط به تولیدکنندگان آسیایی با برندهای اروپایی محدود نمی‌شود. همان‌قدر که «پرادا»، «زارا» یا «گوچی» تحت تأثیرند، برندهای آمریکایی نیز با اختلال مواجه شده‌اند. چرا که بیش از ۹۸ درصد پوشاک آمریکا وارداتی است. در دنیای مد، دیگر کمتر محصولی وجود دارد که کاملاً در یک کشور تولید شود.

زنجیره‌ای که پاره شد

استفانو مارتینتو، مدیرعامل پلترم مد تومورو، با تحلیل این وضعیت می‌گوید: «محصولات در یک مکان تولید نمی‌شوند. ممکن است پارچه از ایتالیا، زیپ از چین، دکمه از کره، و سپس مونتاژ در ترکیه باشد. زنجیره تولید جهانی است و اکنون این زنجیره در معرض گسست قرار گرفته است.» او تأکید می‌کند که هنوز هیچ شفافیتی درباره اینکه دقیقاً کدام بخش از زنجیره تحت تأثیر قرار می‌گیرد، وجود ندارد. بی‌اعتمادی به چشم‌انداز اقتصادی، ترکیب مبهم تعرفه‌ها و نبود دستورالعمل اجرایی روشن، سردرگمی را در صنعت مد افزایش داده است.

لکه سیاه بر چهره لویی ویتون

برخی تولیدکنندگان آمریکایی که در سال‌های گذشته با امید به حمایت داخلی کارخانه‌هایی در خاک ایالات متحده راه‌اندازی کرده بودند، اکنون در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارند. در میان این کارخانه‌ها، واحدهای تولیدی «لویی ویتون» در تگزاس و کالیفرنیا، با چالشی

جدی مواجه شده‌اند. این برند لوکس فرانسوی در دوران نخست ریاست جمهوری ترامپ، کارخانه‌هایی در آمریکا افتتاح کرد تا نشان دهد که می‌توان کالای لوکس را در خاک ایالات متحده هم تولید کرد. با این حال، گزارش‌های اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد برخی از کارگران این کارخانه‌ها با درج برچسب‌های «ساخت فرانسه» بر کیف‌هایی که در آمریکا تولید می‌شدند، قوانین مبدا کالا را دور زده‌اند. در مواردی حتی شنیده شده که کارگران با استفاده از قطعات اضافی، کیف‌هایی خارج از شیفت رسمی تولید کرده و در بازار سیاه فروخته‌اند. این گزارش‌ها، هرچند تأیید رسمی نشده‌اند، اما سایه‌ای سنگین بر تصویر «ساخت آمریکا» انداخته‌اند.

برندهایی که از چین به ویتنام مهاجرت کردند

هم‌زمان با اعلام تعرفه‌ها، بازارها واکنش تندی نشان دادند. سهام برند بریتانیایی «بربری» در همین روزهای فضای جدید همس نشان دهند. «لوی‌ام‌اچ» سال‌هاست ابتدایی جنگ تعرفه‌ها تنها در دو روز ۱۶ درصد سقوط کرد. شرکت‌های بزرگی مانند کرینگ (مالک گوچی و سن‌لوران) و ال‌وی‌ام‌اچ (مالک لویی ویتون و دیور) نیز با افت شدید ارزش مواجه شدند. برندهای ورزشی مانند «نایک»، «پوما» و «لولولمون» که در دور قبلی تعرفه‌های ترامپ تولید خود را از چین به ویتنام و کامبوج منتقل کرده بودند، بار دیگر دچار تلاطم شدند.

بازارهایی که فرو ریختند

در این میان، برخی شرکت‌ها سعی کرده‌اند خود را با این فضای جدید همسو نشان دهند. «لوی‌ام‌اچ» سال‌هاست که با دولت ترامپ روابط نزدیکی دارد. این غول فرانسوی مد، سه کارخانه در خاک آمریکا دارد که ۵۰ درصد محصولاتش برای بازار داخلی را تولید می‌کنند. حضور برنار آرنو، مدیرعامل این شرکت، در مراسم تحلیف دوم ترامپ همراه با اعضای خانواده‌اش، نشانه‌ای از همین نزدیکی است. در پی همین ارتباطات، بسیاری گمان داشتند که ال‌وی‌ام‌اچ در برابر موج تعرفه‌ها مصون خواهد ماند اما واقعیت خلاف آن بود. بازار نه به روابط سیاسی بلکه به شاخص‌های اقتصادی پاسخ می‌دهد و حتی این برند قدرتمند نیز از سقوط ارزش سهام بی‌نصیب نماند. حتی برای این شرکت‌ها هم آینده مبهم است. شایعاتی از تعویق احتمالی خرید «ورساجه» توسط «پرادا» منتشر شده، و هنوز هیچ‌کس مطمئن نیست که بازار چه واکنشی نشان خواهد داد.

مد در جبهه جنگ تجاری

تعرفه‌های «روز رهایی» ترامپ نه تنها اقتصادی‌اند، بلکه رگه‌های سیاسی روشنی دارند. تحلیلگران با نگاهی به تجربه دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ می‌گویند که چین و اتحادیه اروپا در گذشته نیز در واکنش به تعرفه‌های آمریکا، تعرفه‌هایی تلافی‌جویانه را بر کالاهایی وضع کرده‌اند که از مناطق سیاسی حساس مثل ایالت‌های کشاورزی یا صنعتی حامی ترامپ در آمریکا صادر می‌شوند.

این‌بار هم نشانه‌هایی از تکرار همین الگو دیده می‌شود. اتحادیه اروپا تهدید کرده که بر کالاهای لوکس آمریکایی، مانند «الف لورن»، تعرفه‌هایی اعمال خواهد کرد. چین نیز ابتدا تعرفه‌هایی تا ۱۴۷ درصد را اعلام و سپس تا ۲۲ درصد کاهش داده است. به گفته کارشناسان، این سیاست‌ها نه فقط اقتصادی که بخشی از تقابل ژئوپلیتیک میان قدرت‌هاست.

نخ صنعت مد پاره می‌شود؟

تعرفه‌های جدید ترامپ یک نقطه عطف تاریخی برای صنعت مد و هنر جهان‌اند. اگرچه هدف از آن‌ها تقویت تولید داخلی آمریکا و کاهش کسری تجاری عنوان شده اما آن‌ها تا اینجا دیده‌ایم، زنجیره‌ای از شوک‌ها و تنش‌هاست که نه فقط بازار را لرزاند، بلکه روابط بین‌المللی را نیز تیره‌تر کرده است.

در این میان، صنعت مد با همه زرق و برقش، شاید یکی از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها باشد. صنعتی که در آن، نخ یک پیراهن ممکن است از هند بیاید، طرح آن در ایتالیا کشیده شود، دوخت در ترکیه انجام شود، و سرانجام برای فروش به نیویورک برود. حالا در جهانی که هر کشور در حال بالا بردن دیوارهای تعرفه‌ای‌اش است، این پارچه جهانی دارد پاره می‌شود.

کشمکش ناتمام بر سر خانه اندیشمندان

معاون شهردار تهران خواستار طرح تحقیق و تفحص درباره واگذاری ملک خانه اندیشمندان شد

گروه جامعه | خانه اندیشمندان علوم انسانی یکی از مراکز فرهنگی مهم در تهران است که در سال‌های گذشته میزبان برنامه‌های علمی و فکری متعددی بوده است. اخیراً، اختلافاتی میان شهرداری تهران و اعضای این مجموعه بر سر مالکیت و بهره‌برداری از ساختمان آن شکل گرفته است. در تازه‌ترین اتفاق، کمیوثر بشیریه، معاون مدیرعامل خانه اندیشمندان علوم انسانی از حضور ماموران اجرائیات شهرداری برای اجرای حکم تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی خبر داد. این خبر خیلی زود به صحن شورای شهر تهران رسید. به طوری که روز گذشته مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران به پیامکی جنگالی اشاره کرد که در مورد وضعیت خانه اندیشمندان برای او فرستاده شده: «باید یک نشست تخصصی، صمیمانه و بدون نگاه به فضاسازی‌های مثبت و منفی بر گزار شود. پیامک‌هایی برای بنسده آمده بود که عده‌ای آمدند تا خانه اندیشمندان را تخلیه کنند؛ در حالی که هنوز کسی به آن مراجعه نکرده بود و تنها قرار بود حکم را برای آنها ببرند. هیچ تخلیه اجباری اثاث یا د رگیری در خانه اندیشمندان در کار نبوده.»

محمدامین توکلی‌زاده، معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران هم در واکنش به طرح تحقیق و تفحص املاک اجتماعی که توسط سوده نجفی عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران مطرح شده است، در توئیترش نوشت: «از طرح تحقیق و تفحص املاک اجتماعی که سوده نجفی عضو شورای شهر عنوان کرد، استقبال می‌کنیم. شفافیت کمک بسیاری به افتناع افکار عمومی می‌کند. از همین ملک خانه اندیشمندان شروع کنید تا همه املاک واگذار شده در دو دهه گذشته. واقعا خدا خیرتان بدهد اگر این طرح را دنبال کنید.»

اما ریشه پاسخ توپیتری توکلی‌زاده چه بود؟ ماجرا برمی‌گردد به اظهارنظر سوده نجفی، عضو شورا ی شهر تهران درباره تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی. او نسوک پیکان انتقادش را به سمت شهرداری تهران گرفت و گفت: شهرداری شفاف بگوید؛ در بازپس‌گیری املاک دنبال قانون است یا اعمال سلیقه؟! شهرداری تعداد زیادی املاک دارد که در اختیار غیر هستند، مانند موسسات و نهاده‌ا، و بر این اساس اقداماتی برای تعیین تکلیف آنها انجام شده‌از شهرداری می‌خواهم یک گزارش‌ی از روند بازپس‌گیری این املاک به شورای شهر ارائه کند تا مشخص شود در بازپس‌گیری ملک خانه اندیشمندان علوم انسانی آیا اهداف دیگری وجود داشته یا نسبت به همه املاک خودش این همه حساسیت و جدیت داد؟

نجفی توضیح داد: بر اساس اطلاعیه‌ای که توسط این خانه منتشر شده است شهرداری یک مذاکرتی با این خانه داشته که گویا بیشتر به دنبال اداره این خانه که قریب به ۲۵۰ نهاد علمی، فرهنگی و مدنی برای انجام فعالیت‌های خودشان از ظرفیت‌های این مجموعه استفاده می‌کنند هست، مگر شهرداری از انجام وظایف اولیه خودش مانند نظافت شهر و جمع‌آوری زباله برآمده که می‌خواهد بر این نهاد فرهنگی و علمی مدیریت کند.



ماجرای کشمکش

شهرداری تهران در سال گذشته تلاش کرد تا خانه اندیشمندان علوم انسانی را تصرف کند، اما موفق نشد و موضوع را به مراجع قضایی ارجاع داد. در نهایت، پس از چندین ماه کشمکش حقوقی، دادگاه تجدیدنظر ابتداری با نفع خانه اندیشمندان صادر کرد، اما در ادامه دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان تهران رأی قطعی به تخلیه این مجموعه دادند. این تصمیم باعث نگرانی بسیاری از فعالان حوزه علوم انسانی شد.

واکنش‌ها و تلاش‌ها برای حل بحران

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، تأکید کرده است که هدف اصلی باید تقویت فعالیت‌های علمی و فرهنگی باشد، نه پرداختن به اهداف سیاسی. وی همچنین پیشنهاد برگزاری نشست‌ی تخصصی و صمیمانه برای حل این اختلافات را مطرح کرده است. از سوی دیگر، برخی اعضای شورای شهر تلاش کردند تا مانع اجرای حکم تخلیه شوند، اما نمایندگان شهرداری بر اجرای آن پافشاری کردند. در همین حال، خانه اندیشمندان علوم انسانی در بیانیه‌ای اعلام کرده است که پیشنهاد شهرداری ناقض استقلال این مجموعه و مغایر با فلسفه وجودی آن است. این مجموعه همچنین از رئیس‌جمهور درخواست کرده بود که در این موضوع مداخله کند، که وی نیز طی مکاتبه‌ای رسمی از شهر دار تهران خواستار حل مشکل شد. بااین حال، شهرداری تهران اجراییه رسمی تخلیه را به خانه اندیشمندان ابلاغ کرد و در نهایت، مهلت نهایی برای تخلیه در ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ به پایان رسید.

آینده خانه اندیشمندان

با توجه به سوابق این نهاد علمی و فرهنگی، فعالان این حوزه امیدوارند که شهرداری و شورای شهر تهران راه‌حلی مناسب برای ادامه فعالیت این مجموعه در مکان فعلی پیدا کنند. خانه اندیشمندان تأکید کرده است که در ۱۵ سال فعالیت خود همواره در چارچوب قوانین کشور عمل کرده و هیچ تخلفی از آن گزارش نشده است.

این کشمکش همچنان ادامه دارد و باید دید که در نهایت چه تصمیمی برای آینده این مرکز علمی و فرهنگی اتخاذ خواهد شد.

شهرنوشت

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۷۰ | دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۴

مسافر کش‌های پلاک شهرستان بی‌ضابطه و نظارت در پایتخت مسافر جابه‌جای کنند

خارج از دایره قانون

قتل الهه حسین نژاد بار دیگر ناکارآمدی ساختار نظارت بر حمل‌ونقل شهری فضای عمومی تهران در شب را آشکار کرد



این حادثه، تنها یک تراژدی شخصی نبود؛ نشانه‌ای بود از خلأهای جدی در نظارت بر سیستم حمل‌ونقل عمومی و مسافربری پایتخت. با وجود گسترش تاکسی‌های اینترنتی، بسیاری از شهروندان تهرانی، به‌ویژه در ساعات شب، همچنان از کمبود گزینه‌های ایمن برای تردد گلایه دارند. نبود نظارت مؤثر بر مسافربرهای شخصی و خودروهای پلاک شهرستان، چالشی است که سال‌هاست مطرح شده، اما پاسخی قاطع به آن داده نشده است.

در شرایطی که رانندگان فاقد مجوز و خارج از چارچوب قانونی در سطح شهر تردد می‌کنند، این پرسش‌ها پرنرنگ‌تر از همیشه مطرح است: آیا زمان پایان دادن به مسافر کشی‌های بی‌ضابطه فرا نرسیده؟ و آیا ساختارهای نظارتی موجود، توان پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی امروز شهروندان را دارند؟

چالش اول: مسافر کشی پلاک

شهرستانی‌ها

یکی از مواردی که پس از قتل الهه حسین‌نژاد مطرح شد، ساماندهی نشدن مسافربرهای شخصی و حضور بی‌ضابطه خودروهای پلاک شهرستان با هدف مسافر کشی است. این خودروها که اغلب از شهرهای دیگر به تهران وارد می‌شوند، بدون نظارت و مجوز رسمی از سوی شهرداری، در خیابان‌های پایتخت تردد و مسافر جابه‌جای می‌کنند. این وضعیت به‌ویژه در سال‌های اخیر با رشد استفاده از خودروهای شخصی برای مسافر کشی و عدم کنترل مناسب بر آن‌ها، مشکلاتی از قبیل افزایش تخلفات رانندگی، نبود شفافیت در شناسایی رانندگان و ایجاد احساس ناامنی برای شهروندان به‌ویژه زنان و افزایش ترافیک در محدوده مرکزی تهران به وجود آورده است. در حالی که بسیاری از رانندگان پلاک شهرستان به دلیل کمبود نظارت و فقدان مدیریت واحد، به صورت غیرمجاز در تهران فعالیت می‌کنند، ساماندهی این خودروها یکی از اولویت‌های شورای شهر بوده است. در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۴۰۰، شورای شهر تهران پیشنهاد کرد که رانندگان با پلاک شهرستان باید برای ورود به محدوده‌های مرکزی شهر هزینه بیشتری پرداخت کنند تا از این طریق، تردد خودروهای غیرمجاز کاهش یابد و نظارت بر مسافربرها بهتر شود. با این حال، این پیشنهاد با مخالفت فرمانداری تهران روبه‌رو شد، زیرا آن را مغایر با قوانین موجود دانسته و اجرای آن را غیرقانونی عنوان کرد. نتیجه این مخالفت‌ها، ادامه تردد آزادانه این خودروها در تهران و باقی ماندن مسئله ساماندهی خودروهای پلاک شهرستان در وضعیتی پیچیده و بدون راه‌حل است که موجب انتقاد شدید مدیران شهری قرار گرفت.

رئیس شورای شهر تهران در خصوص حادثه قتل یکی از شهروندان توسط مسافربری را خودروی پلاک شهرستان اشاره کرد و گفت: «ما بارها گفته‌ایم که تاکسی‌ها باید از پرونده بر خوردار باشند و شناسایی شده باشند.»

اطلاعات مشخصی از فعالیت آن‌ها در دست نیست، در صورت بروز حادثه، مشخص نیست چه کسی پاسخگو خواهد بود. لازم است اطلاعات این خودروها در اختیار نهاد متولی حمل‌ونقل یعنی تاکسیرانی قرار گیرد تا مدیریت پذیر باشند.» او در ادامه با طرح پرسشی اساسی گفت: «خودروهایی که مثلاً از اسلامشهر به تهران و از آزادی به کرج می‌روند، متولی آن‌ها چه کسی است؟ آیا این مسئولیت بر عهده وزارت راه است یا شهرستان‌هایی که مبدأ تردد این خودروها هستند؟ باید تکلیف این مسئله روشن شود. به نظر من، وزارت کشور باید در این زمینه ورود کند. وضعیت فعلی، وضعیتی لجام‌گسیخته است که می‌تواند آسیب‌های جدی به شهروندان وارد کند. این موضوع متوقف نمی‌شود مگر اینکه اقدامات جدی صورت گیرد.»

سروری با اشاره به نقش شهرداری در این زمینه گفت: «شهرداری زیرساخت‌های لازم را فراهم کرده، اما مسئله این است که این مجموعه‌ها تحت مدیریت هیچ نهاد مشخصی نیستند. در حال حاضر، تحت مدیریت خودشان عمل می‌کنند و طبیعتاً شهرداری و تاکسیرانی تهران بدون ابزار و اختیار قانونی، امکان مداخله مؤثر ندارند.» او همچنین درباره تاکسی‌های اینترنتی گفت: «حتی مجموعه‌هایی مانند اسنپ و تپسی نیز باید تحت مدیریت واحد قرار گیرند. بحث ما این نیست که آن‌ها

چمران در ادامه تصریح کرد: «ما چندین بار نامه‌هایی ارسال کرده‌ایم که فعالیت این تاکسی‌ها باید زیر نظر سازمان تاکسیرانی قرار گیرد. برخی از رانندگان شرکت‌های اینترنتی بدون سابقه و تعهد مشخص فعالیت می‌کنند که این کار خلاف قانون است. این شرکت‌ها پول زیادی به جیب می‌زنند و از سویی دیگر افرادی قربانی می‌شوند.» چمران در ادامه افزود: «وزارت کشور به عنوان مسئول انصاف باید به شرکت‌های اینترنتی مجوز دهد، اما شهرداری‌ها باید مسئول صدور مجوز‌ها در شهرها باشند. وزارت کشور نیرو و اطلاعات کافی در این زمینه ندارد و از این اتفاقات خبر ندارد.»

وی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاران در خصوص نصب دوربین در تاکسی‌های اینترنتی گفت: «چهارراه‌های ما کمبود دوربین دارند، حالا از ما می‌خواهند که دوربین در خودروها نصب کنیم؟ چرا به جای این کار، از شرکت‌های اینترنتی نمی‌خواهیم رانندگانی با سابقه مشخص و قابل اعتماد به کار بگیرند؟ البته وضعیت دوربین‌ها در شهر به تدریج در حال بهبود است و دوربین‌های جدید در حال نصب است.»

چالش سوم: تردد خودروهای

مسافر کش بین شهری

پرویز سروری، نایب رئیس شورای شهر تهران، در گفت‌وگو با هفت صبح، با اشاره به ناسامانی تردد خودروهای پلاک شهرستان در پایتخت، خواستار تعیین متولی مشخص برای ساماندهی این خودروها شد و از وزارت کشور در خواست ورود جدی به موضوع کرد. سروری در سخنانی با بیان اینکه حضور بی‌ضابطه خودروهای غیرتهرانی یکی از معضلات اساسی پایتخت است، گفت: «هرچند برای افرادی که از دیگر شهرها به تهران می‌آیند احترام قابلتیم، اما این وضعیت، نظم و انتظام حمل‌ونقل عمومی را به‌شدت مختل کرده است. وقتی هیچ برنامه‌ای برای این خودروها وجود ندارد و

قانون گذاری باتکلیف وامنیت معلق زنان



امنیت زنان در شهر، به‌ویژه در حوزه حمل‌ونقل عمومی شبانه، یکی از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری است. حادثه ناگوار قتل الهه حسین‌نژاد، که قلب همه ما را به درد آورد، نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در عوامل مخاطره‌آمیز شهری، به‌خصوص برای زنان، کودکان و سالمندان است. شناسایی و رفع این عوامل، از جمله فضاهای بی‌دفاع شهری، املاک مترو که، کوچه‌های تاریک و خلوت و همچنین نظارت دقیق‌تر بر تاکسی‌های اینترنتی و مسافر کش‌های شخصی، باید در اولویت قرار گیرد.

در دوره ششم شورای شهر، ما بر شناسایی و رفع فضاهای بی‌دفاع شهری تمرکز کرده‌ایم. بودجه‌ای برای این منظور اختصاص داده شده و اقدامات متعددی انجام شده است. به عنوان مثال، در نواحی مختلف تهران، املاک رهاشده که محل خفت‌گیری یا تعرض بودند، شناسایی شده‌اند و در حال رفع این مشکلات هستیم. با این حال، برخی املاک متعلق به مالکان خصوصی هستند که به دلیل عدم دسترسی به مالک یا اقامت آنها در خارج از کشور، رفع مشکلات آنها با چالش مواجه است. در حوزه حمل‌ونقل عمومی، توسعه ناوگان اتوبوس و مترو در ساعات‌های شبانه می‌تواند به افزایش احساس امنیت کمک کند.

با این حال، کمبود تاکسی در ساعات پایانی شب همچنان چالشی جدی است. ما معتقدیم که ساماندهی مسافر کش‌های شخصی و نظارت دقیق‌تر بر رانندگان تاکسی‌های اینترنتی، از جمله بررسی پیش‌بین رفتار ی و اخلاقی آنها، ضروری است. همچنین، استفاده از ظرفیت زنان در رانندگی تاکسی‌های ویژه بانوان می‌تواند به ایجاد احساس امنیت بیشتر کمک کند. یکی از اقدامات انجام‌شده، اصلاح وضعیت پل‌های عابر پیاده بود. بنرهای تبلیغاتی که فضای خلوت و ناامن ایجاد می‌کردند، حذف شدند تا از تعرض به زنان، کودکان و سالمندان جلوگیری شود. همچنین، طرح کاهش خطرپذیری زنان در محیط شهری که در اداره کل بانوان اجرا شد، نشان داد که توجه به گزارش‌ها و نظرات زنان در شناسایی نقاط ناامن، حتی در فضاهای شلوغ یا به‌ظاهر امن، بسیار موثر است.

برای ایجاد احساس امنیت، آگاه‌سازی شهروندان در مواجهه با عوامل مخاطره‌آمیز، تقویت نورپردازی معابر و توسعه حمل‌ونقل عمومی در ساعات شب ضروری است. استفاده از نظرات زنان، نه تنها در مورد خودشان بلکه در مورد کودکان و سایر اعضای خانواده، می‌تواند به رفع مشکلات کمک کند. طرح‌هایی مانند کاهش عوامل مخاطره‌آمیز شهری و نظارت دقیق بر رانندگان تاکسی، همراه با بهره‌گیری از ظرفیت زنان در ایجاد امنیت، باید به طور جدی پیگیری شود.

متأسفانه، استرداد لایحه حمایت از زنان از مجلس، که سال‌ها برای آن تلاش شده بود، مانعی در مسیر تحقق این اهداف است. ما باید با ارائه لایوح جدید و اصلاح قوانین و ضوابط، فضاهای بی‌دفاع شهری را حذف کنیم و احساس امنیت را برای همه شهروندان، به‌ویژه زنان، تقصیم کنیم. مدیریت شهری در این زمینه نقش کلیدی دارد و ما متعهد به ادامه این مسیر هستیم.

تخلفات شرکت‌های تاکسی اینترنتی است. مالکی به خبرنگار هفت صبح گفت: «شهرداری و سازمان تاکسیرانی فاقد ابزار و اختیار قانونی برای برخورد با رانندگان شخصی فاقد مجوز هستند.» وی همچنین به جایگاه قانونی شرکت‌های تاکسی اینترنتی اشاره کرد و افزود: «این شرکت‌ها تحت نظارت اتحادیه کسب و کارهای مجازی هستند و شهرداری تنها در صورت مشاهده تخلف می‌تواند به عنوان واسطه عمل کند و تخلفات را به اتحادیه گزارش دهد. در خصوص سامانه سحاب (سامانه مشترک اطلاعات سفر و یک پلتفرم ملی تحت نظارت وزارت کشور است)، شهرداری هنوز دسترسی آنلاین به این سامانه ندارد و حتی در صورت دسترسی، اطلاعات تنها به‌صورت تجمیعی در اختیار قرار می‌گیرد که برای نظارت مؤثر کافی نیست.»

باید زیر نظر شهرداری باشند، بلکه تأکید ما بر ایجاد مدیریت یکپارچه در حوزه حمل‌ونقل شهری است.» سروری در پایان خواستار تدوین برنامه‌ای منسجم برای کنترل و مدیریت ناوگان حمل‌ونقل برون‌شهری در تهران شد و گفت: «نبود مدیریت متمرکز، امنیت و کارایی حمل‌ونقل در پایتخت را به مخاطره انداخته است.»

چالش چهارم: مشکلات قانونی برای مداخله شهرداری

شادی مالکی، مدیرعامل سازمان تاکسیرانی شهرداری تهران، با اشاره به محدودیت‌های قانونی موجود در حوزه نظارت بر حمل‌ونقل شخصی و اینترنتی تأکید کرد که سازمان تاکسیرانی فاقد اختیار قانونی برای برخورد با رانندگان شخصی و تاکسی‌های اینترنتی است. او افزود: «این شرکت‌ها مجازی هستند و شهرداری تنها در صورت مشاهده تخلف می‌تواند به عنوان واسطه عمل کند و تخلفات را به اتحادیه گزارش دهد. در خصوص سامانه سحاب (سامانه مشترک اطلاعات سفر و یک پلتفرم ملی تحت نظارت وزارت کشور است)، شهرداری هنوز دسترسی آنلاین به این سامانه ندارد و حتی در صورت دسترسی، اطلاعات تنها به‌صورت تجمیعی در اختیار قرار می‌گیرد که برای نظارت مؤثر کافی نیست.»

وضعیت تاکسی‌های پلاک شهرستان چگونه است و آیا اقداماتی برای ساماندهی آن‌ها وجود دارد؟

پلاک شهرستان به معنی این است که فرد محل سکونت یا فعالیت خود را در شهری غیر از تهران اعلام کرده است. طبق قوانین، اگر فردی قصد فعالیت در تهران را داشته باشد، باید به پلیس مراجعه کند و محل سکونت یا فعالیت جدید خود را ثبت کند یا پلاک تهران به او داده شود. در حال حاضر، برخی افراد با پلاک شهرستان بدون هماهنگی وارد تهران می‌شوند که این موضوع مشکلاتی ایجاد کرده است، ما خواستار اعمال محدودیت‌هایی برای این خودروها بوده‌ایم، ام‌ا فرمانداری به دلیل مغایرت با قوانین، این پیشنهاد را رد کرده است. ما بارها تأکید کرده‌ایم که رانندگان پلاک شهرستان باید در سامانه‌های نظارتی قرار گیرند و تحت کنترل و شناسنامه‌دار فعالیت کنند. این اقدام می‌تواند به کاهش تخلفات و خطرات احتمالی کمک کند. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین مانند کدهای QR برای شناسایی و رهگیری خودروها می‌تواند به این فرآیند سرعت ببخشد.

در خصوص نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی، چه اقداماتی باید انجام شود؟

نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی باید به صورت یک رویه قانونی و مستمر انجام شود. این شرکت‌ها به عنوان بخش خصوصی باید تحت نظارت شهرداری قرار گیرند و از هرگونه ظفرووی از مقررات جلوگیری شود. مهم‌ترین مشکل فعلی این است که این شرکت‌ها از نظارت شهرداری به راحتی فرار می‌کنند، در حالی که باید طبق قوانین عمل کنند. این مسئله باید در اولویت قرار گیرد تا فعالیت این شرکت‌ها به شکل شفاف و قانونی صورت گیرد.

افزایش ساعات کاری تاکسی‌ها در شب، شمشیر

دولبه است آیا مشکلی از نظر امنیتی برای هر دو طرف

پیش نمی‌آید؟

درست است که بسیاری از مسافرین از تاکسی‌های اینترنتی برای سفر در شب استفاده می‌کنند، اما اگر ساعات کاری تاکسی‌ها را افزایش دهیم، باید توجه کنیم که امنیت رانندگان و مسافران تأمین شود. هیچ تفاوتی بین رانندگان مرد و زن از

[illegible]



ماجرای جویی در دنیای آجرها



LEGO VOYAGERS

در جهانی سرشار از قطعات لگو تجربه کنید بازی دارای فضایی گرم، خلاقانه و سرشار از احساس است؛ مفاهیمی مانند رفاقت، ساختن با هم و ماجراجویی در دل دنیایی از آجرهایی که هر کدام بخشی از یک جهان زنده هستند. **LEGO Voyagers** قرار است به زودی برای پلتفرم‌های **PS۴**، **PS۵** و **Xbox Series X/S** منتشر شود.

اگر تا امروز لگو را فقط یک اسباب‌بازی می‌دانستید، وقتش رسیده در قالب یک ماجراجویی دیجیتال، دنیای متفاوت و شاعرانه‌ای از این قطعات ساده اما معنادار را تجربه کنید.

اگر فکر می‌کنید لگو فقط مخصوص کودکان است، بازی جدید **LEGO Voyagers** آمده تا ذهنیت‌تان را به چالش بکشد. در مراسم افتتاحیه **Summer Game Fest**، استودیویی که پیش‌تر با «**Lego Builder's Journey**» تحسین‌ها را برانگیخت، این بار با عنوانی جدید و ماجراجویانه بازگشته است.

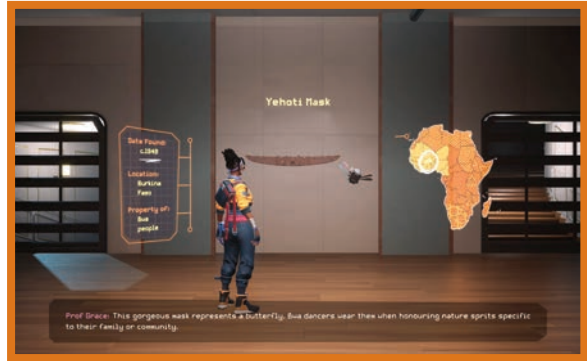
LEGO Voyagers یک بازی همکاری محور دوفره است که در آن دو دوست تصمیم می‌گیرند یک سفینه فضایی متروکه را نجات دهند. این تصمیم ساده آغازگر سفری پرماجرا و خیال‌انگیز است؛ سفری که در نهایت به کشف مفهومی عمیق‌تر می‌انجامد: ارزش واقعی ارتباط و همراهی. اما نکته جالب و متفاوت بازی اینجاست: شما صرفاً در نقش شخصیت‌های لگویی بازی نمی‌کنید و احساس یک آجر لگو بودن را تجربه خواهید کرد! البته نگران نباشید، قرار نیست درد قدم گذاشتن روی آجر را احساس کنید؛ بلکه قرار است با فیزیک بازی، حس واقعی پریدن، سر خوردن، چفت شدن و ساختن را

کابوسی کارتونی اما پراز هیجان

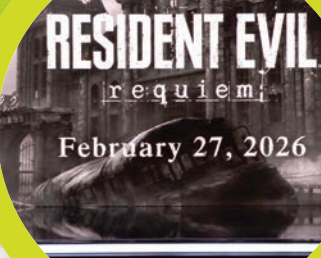
در میان سیل بازی‌های اکشن و روگ‌لایک، همیشه پیدا کردن عنوانی که با جسارت به سراغ سبک و سیاقی متفاوت برود، کار ساده‌ای نیست اما این بار **Coffee Stain**، ناشر بازی‌های موفقی چون **Valheim** و **Goat Simulator**، با همکاری استودیو سوئدی **She Was Such A Good Horse**، اثری خلق کرده که بیشتر به یک تبار کارتونی شبیه است تا یک بازی ویدیویی؛ بازی **Into the Unwell** است که شما را به دنیای خودش می‌کشد. همه چیز اینجا یادآور انیمیشن‌های دهه ۱۹۲۰ است؛ همان سبک «لاستیکی» معروف که با شخصیت‌هایی مثل میکی‌ماوس یا تام و جری جان گرفت. محیط‌ها و دشمنان بازی، از شخصیت‌های انسان‌نمای عجیب و غریب تا باس‌فایت‌هایی که از کابوس‌های فانتزی بیرون آمده‌اند، همگی طوری طراحی شده‌اند که انگار مستقیماً از دل کارتون‌های سیاه و سفید و قدیمی پریدند وسط دنیای مدرن بازی‌ها. اما فراتر از ظاهر خاص، **Into the Unwell** یک

بازی هک‌انداسلش سریع و خشن است که روی همکاری چندنفره تأکید ویژه دارد. شما می‌توانید بازی را به تنهایی یا تا سقف چهار نفر تجربه کنید و با دوستان‌تان به دل ماجراجویی‌های عجیب و گاه دلهره‌آور بروید. در هر مرحله باید با موجی از دشمنان نامتعارف روبه‌رو شوید و برای شکست دادن باس‌هایی که هر کدام ویژگی‌های منحصر به فرد و غیر قابل پیش‌بینی دارند، حسابی عرق بریزید توسعه‌دهندگان قبول داده‌اند تجربه‌ای روان‌گردان، پر هیجان و گاهی دیوانه‌وار خلق کنند؛ جایی که مرز بین واقعیت و خیال محو می‌شود و هر لحظه باید آماده غافلگیری باشید.

INTO THE UNWELL RELOOTED



در دنیای بازی‌های ویدیویی، معمولاً نقش قهرمانان ماجراجویی‌هایی است که گنجینه‌ها را از دل معابد و مقبره‌ها بیرون می‌کشند و به ویرترین موزه‌ها می‌رسانند اما حالا، استودیوی نوآور **Nyamakop** از آفریقای جنوبی، با همکاری **Mooncat Games**، معادله را کاملاً برعکس کرده است: در بازی **Relooted** شما نه شکارچی گنج که بازگرداننده گنجینه‌ها به صاحبان واقعی‌شان هستید! داستان بازی **Relooted**، روایت گروهی دزد است اما نه دزدی برای منافع شخصی یا فروش بازار سیاه؛ مأموریت این گروه، بازگرداندن آثار باستانی به سرزمین و مردمی است که سال‌هاست از آنها جدا مانده‌اند. هر مرحله از بازی، از به بخش اصلی تشکیل شده؛ ابتدا بازیکن باید موزه هدف را شناسایی و شیء تاریخی مورد نظر را پیدا کند. در ادامه، مرحله نفوذ و طراحی راه فرار بدون جلب توجه نگهبانان آغاز می‌شود و در نهایت، با به دست آوردن گنجینه، باید با زیرکی از موزه خارج شد. آنچه **Relooted** را منحصر به فرد می‌کند، استفاده از آثار واقعی و تاریخی است. آثار باستانی که سال‌هاست در موزه‌های غربی خاک می‌خورند و سرگذشت پر فراز و نشیبی داشته‌اند، حالا در بازی به بازیکن معرفی می‌شوند و هر کدام شناسنامه‌ای مختصر از اصالت و اهمیت فرهنگی‌شان دارند. نمونه‌اش طبل **Ngadji** از قوم **Pokomo** در آفریقا که در قرن نوزدهم توسط استعمارگران به انگلستان برده شد و پس از بیش از یک قرن، تنها برای لحظه‌ای دوباره به چشم برادر پادشاه قومی آمد. **Relooted** صرفاً یک بازی اکشن و معمایی نیست، تلاشی است برای بازگویی قصه‌های گمشده و یادآوری حق مالکیت فرهنگی ملت‌ها. این بازی قرار است برای **Xbox Series X|S** و رایانه‌های شخصی از طریق **Steam** و **Epic Games** منتشر شود، هر چند هنوز تاریخ انتشار آن اعلام نشده است. چه کسی می‌داند؟ شاید این بار شما همان قهرمانی باشید که تاریخ، چشم‌انتظارش مانده است.



بازگشت به راکون سیتی REQUIEM

پس از هفته‌ها شایعه و گمانه‌زنی، شرکت کپکام بالاخره در جریان مراسم **Summer Game Fest ۲۰۲۵** از جدیدترین نسخه سری محبوب «رزیدنت اویل» رونمایی کرد. بازی جدید با نام کامل **Resident Evil: Requiem** در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۶ برای پلتفرم‌های پلی‌استیشن ۵، ایکس‌باکس سری **X|S** و رایانه‌های شخصی منتشر خواهد شد. براساس تریلر رونمایی‌شده در دقایق پایانی برنامه و با معرفی توسط جون تاکنوچی، تهیه‌کننده و باسابقه، داستان بازی با محوریت شخصیتی جدید به نام گریس اشکرافت روایت می‌شود. او، بار دیگر با به شهری نفرین‌شده و آشنا می‌گزارد: راکون سیتی. اطلاعات دقیق‌تری از خط داستانی هنوز منتشر نشده، اما کپکام وعده تجربه‌ای «ضربان گیر» و «لرز‌اننده استخوان» داده؛ برای پاسخ به این پرسش‌ها باید تا زمستان ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۶) صبر کرد؛ اما آنچه واضح است، این است که ترس قرار نیست از نفس بیفتد. تریلر اولیه، فضای وهم‌آلود، تاریک و به شدت

پاریس خون می‌خواهد

دنیای جاسوسی و ترور در بازی‌ها به شکل‌های مختلف روایت شده اما وقتی دو چهره بزرگ و نمادین این ژانر روبه‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند، ماجرا هیجان‌انگیزتر از همیشه می‌شود. **IO Interactive**، سازنده سری **Hitman**، به‌تازگی خبر از یک مأموریت ویژه جدید داده که در آن مأمور **۴۷**، قرار است با یکی از خطرناک‌ترین چهره‌های دنیای جیمز باند روبه‌رو شود: لاشیفر، دشمن معروف از فیلم **Casino Royale**.

این همکاری ویژه بین **Hitman** و فرنچایز باند، در جریان **Summer Game Fest** با حضور بازیگر سرشناس مدس میکلسن (که نقش ل‌شیفر را در فیلم سال ۲۰۰۶ ایفا کرده بود) و مدیر **IO Interactive**، هاگان ایرک، رونمایی شد. بر اساس اطلاعات منتشر شده، این مأموریت تحت عنوان **Elusive Target** به‌زودی و برای مدت محدود در نسخه **World of Assassination** بازی هیتمن در دسترس بازیکنان رایانه‌های شخصی و کنسول‌ها قرار خواهد



با هم برویم گم شویم!

استودیوی خلاق **House House** که با **Untitled Goose** **Game** به‌خوبی نشان داد چطور می‌توان با یک غاز بازی ساخت و دل‌ها را برد، حالا با پروژه‌ای کاملاً متفاوت بازگشته است؛ بازی‌ای به نام **Big Walk** که نه خبری از پرند در سراسر قبلی در آن هست، نه هیجان مرگبار. در عوض، با یک تجربه همکاری محور و آرام روبه‌رو هستیم که شما را وادار می‌کند در دل طبیعت با دوستان‌تان گم شوید، جیغ بزنید و سعی کنید راه‌تان را با معماهای گروهی و ارتباط خلاقانه پیدا کنید.

Big Walk بیش از آنکه یک بازی باشد، یک تجربه اجتماعی است. سازندگان آن از مفهومی به نام «بازی برای هم‌نشینی» الهام گرفته‌اند. در این جهان باز، شما و دوستان‌تان باید با استفاده از امکاناتی مثل وایت‌بردهای قابل حمل، دوربین، نقشه، فلر و حتی بلندگوهایی که صدای‌تان را از کیلومترها دورتر منتقل می‌کنند، یکدیگر را



راهنمایی کرده و از موانع عبور کنید. اما شاید خلاقانه‌ترین ویژگی بازی، سیستم چت صوتی مبتنی بر موقعیت باشد؛ صداها در فضاهای بسته طنین می‌اندازند، از پشت شیشه‌های عایق صدا عبور نمی‌کنند و در فاصله‌های زیاد محو می‌شوند. این یعنی بازیکنان مجبورند راه‌های جدیدی برای ارتباط خلق کنند، درست مثل گروهی از ماجراجویان واقعی. بازی پر از لحظات خنده‌دار و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده است. مثلاً این که می‌توانید دوربین دوست‌تان را به دریا بیندازید یا وسط حل معما ناگهان با یک لگد همه‌چیز را به‌هم بریزید؛ در کنار معماهای تعاملی، مواردی مثل جت‌پک، توپ‌های نورانی و نقشه‌هایی با کارکرد خاص هم به چشم می‌خورد.

Big Walk قرار است در اواخر سال جاری عرضه شود و احتمالاً به یکی از تجربیات آرام اما متفاوت دنیای بازی تبدیل خواهد شد. اینجا خبری از دشمن یا مراحل خطی نیست؛ فقط دوستی، گم‌شدن، پیدا کردن و خندیدن.



تصور کنید وسط شعله‌های سرکش، دود غلیظ و صدای آژیرها ایستاده‌اید... اما به جای اضطراب و ترس با دوستان‌تان در حال خندیدن هستید چون یکی از آنها فراموش کرده کلید نردبان را بزند و همراه با یک مصدوم بیچاره از طبقه سوم سقوط کرده! این صحنه نه از یک کمدی موقعیت، بلکه بازی جدید و متفاوتی به نام **Firefighting Simulator: Ignite** است؛ یک شبیه‌ساز چهار نفره همکاری محور که قرار است پاییز امسال منتشر شود. در دنیایی که شبیه‌ساز کشاورزی و کامیون‌داری مخاطبان میلیونی پیدا کرده‌اند، حالا نوبت قهرمانان دنیای واقعی ست: آتش‌نشان‌ها. این بازی شما را به قلب عملیات اطفای حریق در شهرهای خیالی در منطقه غرب میانه آمریکا می‌برد. با در اختیار داشتن ماشین‌های آتش‌نشانی واقعی و تجهیزات حرفه‌ای، شما و تیم‌تان باید با استفاده از تاکتیک‌های دقیق، خانه‌ها را نجات دهید، دود را آتپویه و شعله‌ها را مهار کنید.

توسعه‌دهندگان وعده واقع‌گرایی بالا را داده‌اند: از شبیه‌سازی شعله و گرما تا تعامل واقعی آب با سطوح، همه در قالب موتور قدرتمند **Unreal Engine ۵** پیاده‌سازی شده‌اند اما همانطور که گیم‌ها می‌دانند، وقتی پای همکاری آنلاین و حرکات غیرمنتظره دوستان وسط باشد، تجربه‌ای پر از موقعیت‌های خنده‌دار و خاطره‌انگیز شکل می‌گیرد.

بازی دارای یک حالت حرفه‌ای نیز هست که در آن از پایگاه آتش‌نشانی به‌عنوان مقر عملیات استفاده می‌کنید؛ شخصیت‌تان را از بین ۸ آتش‌نشان انتخاب می‌کنید، لباسش را شخصی‌سازی می‌کنید، تجهیزات را تنظیم کرده و تکنیک‌های تخصصی مثل استفاده از فوم، تهویه یا تخریب سازه را یاد می‌گیرید. از قابلیت‌های مهم **Firefighting Simulator: Ignite** می‌توان به کراس‌پلی بین پلتفرم‌ها، چت صوتی درون‌بازی و پشتیبانی از مأموریت‌های ساخته‌شده توسط کاربران از طریق **mod.io** اشاره کرد، و ویژگی‌ای که نسخه کنسولی را نیز شامل می‌شود.

این بازی قرار است روی فروشگاه اپیک گیمز، استیم و وب‌سایت رسمی‌اش منتشر شود. اگر همیشه می‌خواستید یک قهرمان باشید و البته گاهی بخندید این بازی فرصت خوبی است.



گرفت و جالب آنکه، این مأموریت کاملاً رایگان است. در این مأموریت، مأمور **۴۷** به پاریس فرستاده می‌شود تا لاشیفر را که مثل همیشه خونسرد، حسابگر و بی‌رحم است، از پا درآورد. خود میکلسن در مورد این نقش می‌گوید: «لاشیفر همیشه برای من شخصیتی جذاب بوده؛ آوردن او به دنیای هیتمن، ترکیبی هیجان‌انگیز خلق می‌کند. بازیکنان باید باهوش، دقیق و آماده هر چرخش داستانی باشند.»

این همکاری، تنها یک مأموریت هیجان‌انگیز نیست، نشانه‌ای است از آنچه **IO Interactive** برای آینده فرنچایز باند در چنته دارد. طبق گفته‌های ایرک، این تنها آغاز یک رابطه بلندمدت بین دنیای هیتمن و مأمور **۰۰۷** است.

با اجرای این مأموریت، بازیکنان جوایزی مخصوص در قالب بسته «**First Light**، ۰۰۷» دریافت می‌کنند؛ چیزی شبیه پیش‌درآمدی از پروژه بزرگ‌تر جیمز باند که **IO** سال‌هاست روی آن کار می‌کند.

ایا مأمور **۴۷** می‌تواند در برابر نبوغ شیطانی ل‌شیفر دوام بیاورد؟ یا این بار قمار بزرگ را می‌بازد؟ تنها راه فهمیدنش این است که وارد بازی شده و خودتان دست به کار شوید.

HITMAN

با هم برویم گم شویم! BIG WALK

استودیوی خلاق **House House** که با **Untitled Goose** **Game** به‌خوبی نشان داد چطور می‌توان با یک غاز بازی ساخت و دل‌ها را برد، حالا با پروژه‌ای کاملاً متفاوت بازگشته است؛ بازی‌ای به نام **Big Walk** که نه خبری از پرند در سراسر قبلی در آن هست، نه هیجان مرگبار. در عوض، با یک تجربه همکاری محور و آرام روبه‌رو هستیم که شما را وادار می‌کند در دل طبیعت با دوستان‌تان گم شوید، جیغ بزنید و سعی کنید راه‌تان را با معماهای گروهی و ارتباط خلاقانه پیدا کنید.



راهنمایی کرده و از موانع عبور کنید. اما شاید خلاقانه‌ترین ویژگی بازی، سیستم چت صوتی مبتنی بر موقعیت باشد؛ صداها در فضاهای بسته طنین می‌اندازند، از پشت شیشه‌های عایق صدا عبور نمی‌کنند و در فاصله‌های زیاد محو می‌شوند. این یعنی بازیکنان مجبورند راه‌های جدیدی برای ارتباط خلق کنند، درست مثل گروهی از ماجراجویان واقعی. بازی پر از لحظات خنده‌دار و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده است. مثلاً این که می‌توانید دوربین دوست‌تان را به دریا بیندازید یا وسط حل معما ناگهان با یک لگد همه‌چیز را به‌هم بریزید؛ در کنار معماهای تعاملی، مواردی مثل جت‌پک، توپ‌های نورانی و نقشه‌هایی با کارکرد خاص هم به چشم می‌خورد.

Big Walk قرار است در اواخر سال جاری عرضه شود و احتمالاً به یکی از تجربیات آرام اما متفاوت دنیای بازی تبدیل خواهد شد. اینجا خبری از دشمن یا مراحل خطی نیست؛ فقط دوستی، گم‌شدن، پیدا کردن و خندیدن.



گزارش میدانی هفت صبح از پشت پرده اهدای پلاسمای خون و حقیقتی که به شما نمی گویند

استخراج سود از رگ های شما

- با اهدای فروشی پلاسما، اهدای داوطلبانه خون کم کم رنگ می.بازد و افراد تر جیح می دهند در قبال اهدای رایگان خون پول فروش پلاسما دریافت کنند
- در ایران بر خلاف استاندارد جهانی، فاصله بین دو نوبت اهدای پلاسما بسیار کم است



امیر حدود ۱۰ سال است که پلاسما اهدا می کند. ماهی ۴ بار در کورده داری است برای خودش!



مرتضی کیلی
هفت صبح

اهدای پلاسمای خون، شاید تا حالا اسمش به گوش نان خورده باشد. من اولین بار توسط یکی از دوستانم به اسم امیر با این کار خبر آشنا شدم. امیر حدود ۱۲ سال است که اهدای پلاسمای خون انجام می دهد. او از وضع مالی نسبتا خوبی هم برخوردار است؛ چرا به وضع مالی او اشاره کردم؟ در ادامه گزارشش عرض می کنم خدمت تان.

امیر که اطلاعات مناسبی از اهدای پلاسما دارد به من پیشنهاد داد یک بار این کار خبر را انجام بدهم و آن را تجربه کنم. گفت که از اهدای پلاسما برای تهیه دارو استفاده می شود تا بتوان برای ادامه زندگی بیماران هموفیلی، سرطانی و افراد دارای نقص سیستم ایمنی و بعضی سوختگی های شدید استفاده شود. خب من هم ترغیب شدم که این کار را انجام بدهم. چند باری به یکی از این مراکز اهدای پلاسما مراجعه کردم و عمل اهدا را انجام دادم که در انتهای مطلب به پروسه اهدای پلاسما از شروع تا انتها و عوارض آن اشاره کرده ام.

حالا می خواهم به تبلیغات و یک جور هایی بازاریابی این عمل خبر بپردازم. کافی ست یک بار اهدا انجام بدهید. هر هفته و یک روز مانده به روز هفتم برسد، از مرکز اهدا با شما تماس می گیرند و یاد آوری می کنند که برای

اهدا تشریف بیاورید. برعکس اهدای خون که معمولاً هر ۵۶ روز یک بار است، شما هفته ای یک بار می توانید پلاسما اهدا کنید. (که با این بازه زمانی هم مسئله داریم) اگر نروید، هر روز این کار را می کنند. دقت کنید هر روز با شما تماس می گیرند که چرا نمی آید. من بارها خون هم اهدا کرده ام ولی درگیر این تماس های اعصاب خردکن نشده ام. اهدایی که بر خلاف روبه های رایج اهدای خون، با پرداخت وجه نقد همراه است. هر بار هم که تماس می گیرند، از پرداخت با افزایش این هزینه که اسمش را گذاشته اند «پایب و ذهاب» به شما می گویند. برای اهدای پلاسما بار اول ۷۰۰ هزار تومان به حساب تان واریز می کنند، بار دوم ۸۰۰ هزار و بار سوم یک میلیون تومان. تازه اگر معرف کسی شوید و او را به این کار ترغیب کنید، ۲۰۰ هزار تومان هم پاداش می گیرید.

در حالی که قیمت هر لیتر پلاسما در دنیا در حال حاضر بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار ارزش دارد. در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، اهداکنندگان برای هر نوبت بین ۳۰ تا ۷۰ دلار در یافت می کنند. چه چیزی پشت این قضیه است که به این شکل این مراکز مساجت به خرج می دهند تا شما را دوباره و چندباره برای اهدای پلاسما به آنجا بکشاند. احتمالا در ست حدس زده اید. یک سود کلان پشت این ماجرا هست.

اگر چه اهدای پلاسما می تواند نجات بخش باشد اما وقتی «کمک رسانی به بیماران» با

«سودجویی از نیازمندان» در هم می آمیزد، اخلاق پزشکی و عدالت اجتماعی هر دو زیر سوال می روند. بگذاریم... تا آنجایی که می دانم پلاسما به کارخانه های داروسازی ارسال می شود (مثلا در آلمان یا تریش) برای تبدیل به داروهایی مثل آلبومین، ایمونوگلوبولین، فاکتورهای انعقادی و... ایران هم با رشد سریع مراکز خصوصی پلاسماگیری در مسیر تبدیل شدن به صادرکننده ارزان پلاسما قرار گرفته است، بدون داشتن زیرساخت صنعتی کافی برای پالایش آن و این مسئله منجر به نوعی فراموشی زیستی و خطر وابستگی دارویی می شود.

گفته می شود بعضی از شرکت های خصوصی فعال در این حوزه، پلاسما را نه برای تولید داخلی داروهای مشتق شده از خون، بلکه برای صادرات جمع آوری می کنند. باقی داستان را هم که می دانید دیگر. مثل خام فروشی در همه حوزه ها، این پلاسماها به شرکت های داروسازی خارجی فروخته می شود و آنها هم از پلاسما داروهایی مثل ایمونوگلوبولین ها و... را می سازند و بعد با قیمت های بسیار بالا در بازارهای جهانی و من جمله خودمان به فروش می رانند. یعنی داروهایی که تولیدشان در کشور محدود است را بعد از پروسه صادر کردن پلاسما مجبوریم با تخصیص ارز چند برابری وارد کنیم.

پلاسماهایی را که به قیمت خیلی کم از

عوارض اهدای پلاسما چیست؟

من جایی از مزایای این عمل برای فرد اهدا کننده چیزی نخواندم و نشنیدم. نکته مهم اینکه پس از اهدای پلاسما، بدن برای جایگزینی پروتئین ها (مثل آلبومین و گلوبولین ها) به زمان نیاز دارد. تکرار زیاد اهدا می تواند باعث افت فشار خون، کاهش ایمنی بدن و کمبود پروتئین ها و مشکلات کبدی یا کلیوی شود. با توجه به عوارضی که قبل تر اشاره کردم اما یکی از شایع ترین آن که خودم تجربه کردم، واکنش به سیترات است. سیترات ماده ای است که هنگام اهدای پلاسما به خون اضافه می شود تا از لخته شدن خون پیشگیری کند. برخی افراد نسبت به این ماده واکنش نشان می دهند. اگر این اتفاق بیفتد، فرد ممکن است دچار از دست دادن حس شود. یعنی احساس سوزن سوزن شدن در انگشتان دست یا اطراف بینی و دهان. نکته بعدی جای سوزنی است که برای دریافت پلاسما به دست می زنند؛ همان آنژیوکت که ظاهرا کمی بزرگتر از چیزی است که مثلا برای تزریق سرم می زنند. برای اینکه فرایند دریافت خون و برگرداندن آن به بدن به راحتی انجام شود، از این سوزن ها استفاده می شود. برای کسانی که هر هفته و به طور مداوم اهدا را انجام می دهند، ممکن است آزاردهنده باشد. برای خودم که لاقول این شکلی بود چون به مرور زمان، جای تزریق سوزن روی دست می ماند و حتی جای آن گود یا سوراخ می شود! تازه اگر متصدی این کار بی تجربه باشد و در رگ گیری مهارت کافی نداشته باشد، ممکن است زمان بیشتری درگیر اهدای پلاسما شوید و در نتیجه آن هم کبودی دست است که خودم یکی دو بار آن را تجربه کردم و چند نفری را دیدم که از ناشی بودن فرد متصدی در رگ گیری شکایت داشتند. چون یک مورد آن فردی که رگ می گرفت، تازه کار بود و مهارت کافی نداشت! یعنی کار آموز بود! و هر بار یک نفر از پرسنل می آمدند آنژیوکت را تکانی می دادند و می رفتند و بعد باز هم اختلال در فرآیند اهدا و... روز از روزی از نو، شکایت می کردی یا می گفتند رگ تان نازک است یا آب زیاد نخورده ای که اتفاقا برعکس؛ قبل از اهدا بدنم به اندازه کافی هیدراته بود و رگ همان رگ خوب ضخیم سری های قبل بود. از آن بهانه های بنی اسرائیلی دیگر... در آخر اینکه این فرایند پلاسماگیری به شکلی است که پس از اتمام اهدا، متصدی برای پیشگیری از هر گونه خونریزی و عفونت، جای آنژیوکت را بانسمان می کند و تمام.

یا خیر؟ در غیر این صورت این عاملی است که می تواند تبعات سنگینی برای کشور به همراه داشته باشد. چون برخی از این اهداکنندگانی که من دیدم، از سواد و دانش و اطلاعات حداقلی هم در مورد سلامت و اهدای پلاسما برخوردار نبودند و از کمترین کار قبل و بعد از اهدای پلاسما هیچ اطلاعاتی نداشتند جز اینکه «فقط آب زیاد بنوشندا»

➦ مراحل اهدای پلاسما

شرایط ستنی برای اهدای پلاسما مانند اهدای خون از ۱۸ تا ۶۰ سال است. با مراجعه اول به مرکز اهدای پلاسما از فرد داوطلب، آزمایش خون گرفته می شود. خون شخصی که می خواهد پلاسما اهدا کند باید سالم و به ویروس هایی مثل ایدز و هپاتیت آلوده نباشد. همچنین با توجه به دریافت نمونه خون از سرانگشت از فرد داوطلب، تست CBC(شامل سنجش پارامترهای خونی اعم از: گلبول سفید، گلبول قرمز، هموگلوبین، هماتوکریت، پلاکت و غیره) انجام می شود. بعد هم شما را نزد پزشک مقیم در همان مرکز اهدا برای ویزیت و مشاوره می فرستند. مشاور با دکتري که همه چیز را نمی گوید! دکتري که در مرکز برای اولین بار اهداکنندگان را ویزیت می کند و سوالات کلی من جمله داشتن سابقه بیماری و... را می پرسد، به من می گوید در یک فرد بالغ سالم، بدن در عرض ۴۸ ساعت پلاسماي اهدایی را جایگزین و فرد حتی می تواند بعد

نیازمندان (شما بخوانید اهدا کنندگان) می خردند و به بهای گزافی صادر و می فروشند. چرا گفتم نیازمندان؟ چون در این چند باری که برای اهدا مراجعه کردم، غیر از یکی دو مورد (مثلا از ۷۰۰ نفر) که از ظاهرشان مشخص بود وضع مالی خوبی دارند، باقی افراد به شدت نیازمند بودند. یک خانمی بیکار و سرپرست خانواده بود که ماهی سه یا چهار بار پلاسما اهدا می کرد. با یک کارگر روزمزد و متاهل که می گفت با هزینه دریافتی این کار بخشی از مایحتاج زندگی اش را می خرد و... الی آخر که می توانم چندین مورد دیگر را اینجا ردیف کنم.

دکتر حسین افشین، معاون علمی – فناوری ریاست جمهوری در آیین رونمایی از پالایشگاه پلاسما درباره میزان مراجعه مردم برای اهدای پلاسما گفته بود: «درباره تأمین پلاسما کمبود داریم، حدود ۳۰۰ هزار لیتر در بخش دولتی و ۲۰۰ هزار لیتر هم در بخش خصوصی تأمین می شود اما نیاز کشور چیزی در حدود ۱/۵میلیون لیتر است. در دنیا بخشی از پلاسما از خون های اهدایی تأمین می شود و بخش دوم هم کسانی هستند که مستقیماً از خون اهدا می کنند. در بخش دولتی اشباع داریم و باید در بخش خصوصی سرمایه گذاران را تشویق کنیم که به این حوزه ورود کنند.»

حالا باید پرسید با ورود شرکت های خصوصی در این تجارت پرسود آیا نظارت کافی از طرف وزارت بهداشت وجود دارد



تمایل به اصلاح دارند و در زندان رفتار خوبی نداشته اند، بیشتر مورد توجه قرار می گیرند.»

حمايت از زندانيان پس از آزادي

پس از آزادی زندانيان، شهرکی همچنان به آن ها کمک می کند و ماجرا فقط به آزادی زندانيان ختم نمی شود. او در این باره می گوید: «این کمک ها شامل تأمین نیازهای اولیه و مشاوره برای پیدا کردن شغل بود. ما می خواستیم که آن ها بتوانند به زندگی عادی خود بازگردند و از اینکه به جامعه هم کمک می کنند. در نهایت، کمک به دیگران و تلاش برای بهبود زندگی آن ها، همواره یکی از اهداف اصلی ما بوده است. ما به این باور داریم که هر فردی حق دارد که از حمایت و محبت دیگران برخوردار شود و ما در این مسیر سعی می کنیم تا جایی که ممکن است به دیگران کمک کنیم.»

معجزه آزادي

حاج محمد در مسیری که در پیش گرفته با چالش های ریز و درشتی هم مواجه است: «یکی از تجربیات جالب من در این زمینه مربوط به پرنده ای بود که شامل ۱۶ آوایی دم می شد. در این پرنده، یک نفر کشته شده بود و ما باید رضایت همه آوایی دم را جلب می کردیم. این

از این مدت اهدای مجدد را انجام دهد ولی در ایران این مدت یک هفته است. این گفته خانم دکتري می دانم که بسا پارامترهای جهانی همخوانی ندارد. نکته بعدی که هنوز برایم جای سؤال دارد، اینکه پزشک متخصصی که برای چکاپ سالیانه نزد او مراجعه کرده بودم، با دیدن آزمایشاتم گفت که غلظت خون دارم و پیشنهاد داد که «اهدای خون» انجام بدهم. حال اینکه «اهدای پلاسما» که بخش اعظم آن از آب تشکیل شده و خود این باعث غلظت خون می شود، با این عمل منافات دارد. این را با پزشک در مرکز اهدای پلاسما درمیان می گذارم که می گوید ربطی به غلظت خون ندارد و مشکلی ایجاد نمی کند!

در ایران برخی مراکز خصوصی اهدای پلاسما و همین مرکز اهدای پلاسمایی که چندین بار به آن مراجعه کردم، به اهداکنندگان اجازه می دهند که هر هفته یک بار پلاسما اهدا کنند. این فاصله زمانی کمتر از استانداردهای بین المللی است و ممکن است سلامت اهداکنندگان را به خطر بیندازد. با توجه به اینکه پلاسما معمولاً در عرض ۲۴ تا ۴۸ ساعت در بدن جایگزین می شود اما تکرار مداوم اهدا می تواند منجر به عوارضی مانند کاهش پروتئین های خون، ضعف و کم خونی شود. بنابراین، رعایت فاصله های زمانی مناسب بین اهداها برای حفظ سلامت اهداکنندگان ضروری است. در برخی کشورها، مانند بریتانیا، فاصله زمانی بین دو اهدا حداقل دو هفته است و در طول یک سال، مجموع اهداهای پلاسما و پلاکت نباید از ۶ بار تجاوز کند.

راستی یکی از شرایط اهدای پلاسما این است که فرد هیچ گونه تنبوی در بدن خود نداشته باشد اما من به چشم خودم بارها دیدم که افراد با داشتن تنوی کامل یک دست، حتی اهدای پلاسما داشتند. کاری نداریم... بعد برای فرد داوطلب پرنده تشکیل می دهند و بعد از گرفتن نمونه خون و آزمایشات اولیه، اگر مشکلی نداشته باشید کمتر از یک هفته با شما تماس می گیرند و برای اهدا دعوت تان می کنند. در هر بار مراجعه، در پذیرش قبل از اهدا، فشار خون تان کنترل و باز هم از سر انگشت تان نمونه خون می گیرند. این پروسه همیشه انجام می شود. مدت زمانی که داوطلب برای اهدای پلاسما باید زیر دستگاه باشد، چیزی حدود یک ساعت است. اگر البته رگ گیری و نصب آنژیوکت به درستی انجام شود. چون بعضی مواقع به علت بسته شدن رگ، دستگاه دچار اختلال می شود و عمل در یافت خون و بازگشت آن به بدن انجام نمی شود و دوباره باید رگ گیری و... انجام شود که خود این آزاردهنده است. سپس با استفاده از تجهیزات مورد نیاز در دستگاه، پلاسمای خون فرد داوطلب جدا شده و مابقی آن که شامل سلول های خونی است به بدن وی بازگردانده می شود. این دستگاه پلاسما را می گیرد و بقیه خون از جمله گلبول های قرمز، پلاکت ها و محلول نمکی را از طریق همان سوزن به فرد بازمی گرداند.

کار بسیار دشوار بود، زیرا آوایی دم در شهرستان های مختلفی زندگی می کردند. با این حال، با تلاش و همکاری، موفق شدیم رضایت آن ها را جلب کنیم و این پرنده را به نتیجه برسانیم. این پرنده شامل ۱۶ آوایی دم بود که هر کدام از شهرستان های مختلف کشور می آمدند. از این ۱۶ نفر، دو نفر فوت کرده بودند و باقی آن ها شامل ۱۴ فرزند و دو خانم بودند. این افراد از استان های مختلفی مثل سمنان، سیستان و بلوچستان و حتی تهران بودند. من باید به دنبال آن ها می رفتم و این کار به نظر غیرممکن می رسید. با این حال، به لطف خدا و ارادهم، توانستم آن ها را پیدا کنم. این یکی از بزرگترین چالش های زندگی ام بود. پرنده ای که در دست داشتم، به شدت پیچیده و حساس بود و در حقیقت، یک پرنده قصاص به شمار می رفت. این افراد به راحتی شناسایی نشده بودند و دانشجویی نیز بر این موضوع تأکید داشت که این حکم باید اجرا شود. در واقع، نماینده دادستان درخواست قصاص کرده بود و این کار به هیچ وجه آسان نبود. من به شدت به دنبال این بودم که بتوانم رضایت آوایی دم را جلب کنم. با وجود اینکه برخی از آن ها در شهرستان های دور افتاده زندگی می کردند، اما با تلاش و پیگیری، توانستم با آن ها ارتباط برقرار کنم. خوشبختانه، پس از تلاش های بسیار، توانستم رضایت ۱۴ آوایی دم را جلب کنم. این کار نه تنها برای من بلکه برای خانواده های آن ها نیز یک پیروزی بزرگ بود. آن ها به من اعتماد کردند و من هم تمام سعی ام را کردم تا به آن ها کمک کنم. این تجربه نه تنها یک درس بزرگ برای من بود، بلکه به من یادآوری کرد که در زندگی هیچ چیزی غیرممکن نیست و با تلاش و اراده می توان به نتایج مثبت دست یافت. این خاطره همیشه در ذهنم باقی خواهد ماند و به من انگیزه می دهد تا در مسیر عدالت و کمک به دیگران ادامه دهم.»

فرصتي برای شروع تازه

عضو موسسه بین المللی زنجیره امید (حوزه سلامت) یک آمار قابل توجه هم از آزادی زندانیان فقط در سه ماه اول اسما می دهد: «در سال جاری، در سه ماه اول، ما توانستیم ۵۱ زندانی را آزاد کنیم. همچنین، یک برنامه دیگر، ۱۵۰ زندانی از گرگان و ۱۵۰ زندانی دیگر از کاله آزاد شدند. تعدادی هم در شهرستان های دیگر استان آزاد شدند. در مجموع، بیش از ۵۰۰ زندانی در این مدت آزاد شدند. در این مسیر، چالش های حقوقی نیز وجود دارد. این کار نیازمند دقت و همکاری با دستگاه قضایی است تا بتوانیم به نتایج مثبتی دست یابیم. در نهایت، هدف ما از آزادی زندانیان، کمک به آن ها برای بازگشت به جامعه و زندگی سالم تر است. ما بر این باوریم که هر فردی حق دارد که دوباره فرصت شروعی تازه را داشته باشد و ما در این مسیر تلاش می کنیم تا به بهترین نحو ممکن عمل کنیم.»

گزارش هفت صبح از زندگی حاج محمد، خیر گلستانی و تلاش بی وقفه او برای آزادی زندانیان

داستان نجات ۵۰۰ زندانی

- بزرگ ترین چالش های زندگی ام جلب رضایت ۱۴ نفر از آوایی دم در یک پرنده قصاص بود
- بیش از ۵۰۰ زندانی را از اول امسال تاکنون به کمک خیران آزاد کرده ایم



سیمافراهانی
هفت صبح

سال ها پیش، در دل روستایی کوچک که به مهمان نوازی شهرت داشت، داستانی آغاز شد که نه تنها زندگی چندین نفر را تغییر داد، بلکه نشان از روح انسان دوستی و همدلی در جامعه داشت. مردی با نسل ها تجربه در یاری رسانی به دیگران، تصمیم گرفت تا در اقدامی خیرخواهانه، به زندگی زندانیانی که به خاطر مشکلات مالی و تصادفات ناخواسته پشت میله های زندان بودند، نوری از امید ببخشد. حاج محمد شهرکی، خیر گلستانی، با پیگیری و تلاش مداوم، به دنبال آزادی زندانیانی بود که هر کدام داستانی دردناک و غم انگیز داشتند. او می دانست که هر زندانی نه تنها خود، بلکه خانواده ای دارد که به شدت

تحت تأثیر شرایط او قرار گرفته است. این گزارش، روایتگر سفر این مرد و چالش هایی است که در مسیر جلب رضایت آوایی دم و آزادی زندانیان با آن ها روبه رو شد؛ سفری که نشان دهنده اراده، همت و عشق به انسانیت است.

یک نسل نیکوکاری

محمد شهرکی، رئیس هیئت مدیره مجمع خیرین استان گلستان، در گفت و گو با خبرنگار هفت صبح جزئیاتی از آغاز فعالیت های خیرخواهانه اش روایت می کند: «از زمان های قدیم، خانواده ما در مهمان نوازی و کمک به دیگران شهرت داشتند. به یاد دارم پدر من همیشه در خانه اش، مهمان نوازی به عنوان یک ارزش اساسی تلقی می شد. با اینکه

اولین اقدام خیرخواهانه

محمد شهرکی که عضو هیئت مدیره مجمع مدرسه سازی استان گلستان هم هست، دستی به سر و گوش خاطراتش می کشد و ما را به سال ها ی دور می برد: «یادم می آید که اولین کار خیری که انجام دادم، مربوط به آزادی زندانیان بود. حدود ۲۶ یا ۲۷ سال پیش، در یک مراسم که به مناسبت

آزادی زندانیان برگزار شده بود، تصمیم گرفتم که به این موضوع کمک کنم. آن زمان، آزادی یک زندانی نیازمند ۳۰ میلیون تومان بود که مبلغ زیادی محسوب می شد. با این حال، توانستم این مبلغ را فراهم و زندانی را آزاد کنم. در میان زندانیانی که تا به حال آزاد کردم، ۳۷ نفر ضمان قتل بود و بقیه به دلایل مالی در زندان بودند. بعد از آزادی اولین زندانی، یک روز به بیمارستان شهرمان در گنبد کاووس رفتم، در آنجا افراد زیادی

چه کسی رمزارزها را در کف قیمت جمع می کند؟

بازار خسته، نهنگ ها بیدار

حمید بهشتی

هفت صبح



در بازار پر فراز و نشیب رمزارزها، همیشه آنچه جلوی چشم است، همه واقعیت نیست. گاهی زیر پوست سکون و بی‌رمقی بازار، بازیگران بزرگی در حال چیدن مهره‌ها هستند؛ مهره‌هایی که روند آینده را تغییر می‌دهند. نامشان را گذاشته‌ایم نهنگ‌ها؛ بازیگرانی که در سکوت، موقعیت می‌خرند و در هیاهو، سود می‌برند.

هرگاه بازار اصلاح می‌کند یا قیمت‌ها اندکی افت می‌کنند، یک گروه خاص بیش از دیگران فعال می‌شود. آنها نه ترسی دارند، نه هیجانی. برایشان فرقی نمی‌کند دیگران وحشت‌زده باشند یا امیدوار. آنها فقط تحلیل می‌کنند و منتظرند لحظه مناسب فرا برسد.

نهنگ‌ها: ساکت ولی قدرتمند

به کسانی که حجم بالایی از یک رمزارز را در اختیار دارند، در اصطلاح بازار «نهنگ» می‌گویند. اینها می‌توانند افراد، مؤسسات، صندوق‌ها یا حتی پلتفرم‌های سرمایه‌گذاری باشند. داشتن هزار بیت‌کوین یا بیشتر، آنها را وارد باشگاه نهنگ‌ها می‌کند.

نهنگ‌ها تماشاگران صبور بازارند. تریدرهای معمولی بالا و پایین می‌برند، اما نهنگ‌ها اغلب تماشا می‌کنند، بررسی می‌کنند و اغلب، زمانی وارد می‌شوند که همه در حال خروج‌اند.

وقتی بقیه می‌ترسند، نهنگ‌ها هجوم می‌برند

نقشه آنها ساده ولی مؤثر است: در ترس دیگران، فرصت ببین. وقتی نمودارها قرمز می‌شوند و رسانه‌ها از ریزش می‌گویند، کیف‌پول‌های بزرگ رمزارز شروع به فعال شدن می‌کنند. داده‌های زنجیره‌ای نشان می‌دهد که درست همان لحظه‌هایی که کاربران معمولی در حال فروش هستند، نهنگ‌ها در حال خریدند.

به زبان ساده، نهنگ‌ها از وحشت عمومی استفاده می‌کنند تا رمزارزهای مهم را با قیمت پایین‌تر بشکار کنند. آنها خوب می‌دانند که این بازار پر نوسان است، اما همیشه بعد از هر اصلاح، یک رشد در راه است.

چرا نهنگ‌ها همیشه زودتر می‌فهمند؟

رفتار نهنگ‌ها اتفاقی نیست. پشت آن تحلیل‌های دقیق، تیم‌های حرفه‌ای و نرم‌افزارهای پیچیده‌ای وجود دارد که آنها را قادر می‌سازد مسیر بازار را پیش‌بینی کنند. می‌دانند چه زمانی ترس بالا می‌رود، کجا مقاومت‌ها می‌شکند و چه موقعی فرصت‌های خرید پدیدار می‌شود.

برخلاف سرمایه‌گذاران تازه‌کار که در اوج قیمت خرید می‌کنند و در کف می‌فروشند، نهنگ‌ها در عمق ناامیدی بازار، دارایی جمع می‌کنند و در اوج خوش‌بینی، آرام‌آرام دارایی‌شان را نقد می‌کنند.

سکوت‌شان را فقط داده‌ها لو می‌دهد!

نهنگ‌ها اهل تبلیغ نیستند. کسی نمی‌فهمد که چه زمانی وارد بازار شدند، مگر اینکه داده‌ها را بررسی کند. اگر ببینید تعداد کیف‌پول‌های بزرگ در حال افزایش است یا حجم برداشت‌ها از صرافی‌ها بالا رفته، احتمالاً نهنگ‌ها در حال خرید هستند. فعالیت کیف‌پول‌های بزرگ، افزایش انباشت بیت‌کوین، کاهش عرضه در صرافی‌ها و افزایش انتقال دارایی به کیف‌پول‌های سرد، همه نشانه‌هایی از این است که نهنگ‌ها بیدارند. آنها منتظر نمانده‌اند تا همه چیز سبز شود؛ دقیقاً برعکس، در دل اصلاح‌ها وارد می‌شوند.

نهنگ‌ها فقط بیت‌کوین نمی‌خرند

در گذشته شاید نهنگ‌ها فقط بیت‌کوین را هدف می‌گرفتند، اما حالا داستان فرق کرده است. اتریوم، سولانا، آوالانچ، پروژه‌های DeFi و حتی توکن‌های مرتبط با هوش مصنوعی نیز در سید خرید آنها دیده می‌شود. نهنگ‌ها پروژه‌هایی را انتخاب می‌کنند که پشتوانه فنی دارند و احتمال رشدشان در بلندمدت بالاست. آنها به دنبال رمزارزهایی هستند که با قرار است در ساختارهای مالی آینده نقش بازی کنند یا در بین کاربران محبوب شوند.

می‌خرند وقتی بی‌صداست، می‌فروشند وقتی همه فریاد می‌زنند!

یکی از ترندهای قدیمی نهنگ‌ها همین است: خرید در زمان سکوت، فروش در زمان غوغا. وقتی رسانه‌ها از انفجار قیمت‌ها می‌نویسند و کاربران تازه‌کار برای ورود به بازار صف می‌کشند، نهنگ‌ها در حال فروش‌اند. الگوی آنها مشخص است؛ در دوره‌های کم‌رقم و قرمز بازار، دارایی جمع می‌کنند. در اوج اخبار خوش و شلوغی رسانه‌ها، آرام‌آرام خارج می‌شوند. شاید همین آرامش است که آنها را به «نهنگ» تبدیل کرده؛ آن‌قدر بزرگ و سنگین که صدای حرکتشان فقط با دقت شنیده می‌شود.

با دست خالی وارد اقیانوس نهنگ‌ها نشویم

نه، لازم نیست نهنگ شویم تا در بازار رمزارز سود کنیم. اما می‌توانیم از رفتارشان یاد بگیریم. نهنگ‌ها همیشه عجله نمی‌کنند، صبورند، پله‌پله خرید می‌کنند و هیچ‌گاه همه تخم‌مرغ‌ها را در یک سبد نمی‌گذارند. وقتی بازار اصلاح می‌کند، به جای ترس و فروش هیجانی، شاید بهتر باشد بنشینیم و فکر کنیم. بررسی کنیم که آیا اصلاحی کوتاه‌مدت است؟ آیا فرصت ورود است؟ آیا پروژه‌ای ارزش نگهداری دارد؟ اینها همان سوالاتی هستند که نهنگ‌ها همیشه از خودشان می‌پرسند.

بازار هنوز زنده است؛ فقط دارد نفس تازه می‌کند

درست است که برخی رمزارزها هنوز زیر قیمت‌های اوج خود هستند. درست است که گاهی بازار رمقی ندارد. اما اینها لزوماً نشانه مرگ بازار نیستند؛ شاید بازار دارد خودش را برای جهش بعدی آماده می‌کند. هر بار که بازار اصلاح می‌کند، داده‌ها از خرید نهنگ‌ها خبر می‌دهند. آنها نمی‌گذارند فرصت از دست برود. در شرایط فعلی هم، نهنگ‌ها به آرامی فعال هستند؛ نه با خریدهای بزرگ ناگهانی، بلکه با انباشت تدریجی.

آخرش چه؟ همیشه کسی هست که می‌خرد...

در بازار رمزارزها، قانون نانوشته‌ای وجود دارد: همیشه کسی در حال خرید است. اگر شما در حال فروش هستید، مطمئن باشید طرف مقابلی هست که با لیند در حال خرید همان دارایی است. نهنگ‌ها آن طرف داستان‌اند. آنها وقتی ما دمکه فروش را با اضطراب فشار می‌دهیم، با آرامش دمکه خرید را می‌زنند و بعدها، زمانی که بازار بالا می‌رود، شاید همین نهنگ‌ها دوباره دارایی‌ها را به ما بفروشند. با قیمتی بالاتر.

بازار ممکن است خسته به نظر برسد، اما نهنگ‌ها بیدارند و همین بیداری بی‌صداست که گاهی روند بازار را تغییر می‌دهد.

معرفی پروژه‌های رمزارزی نوظهور ۲۰۲۵-۲۰۲۴ با پتانسیل رشد بالا

پنج پروژه تازه نفس

که باید بشناسید

Aptos APT

1 aptos

معرفی: بلاک چین لایه یک با

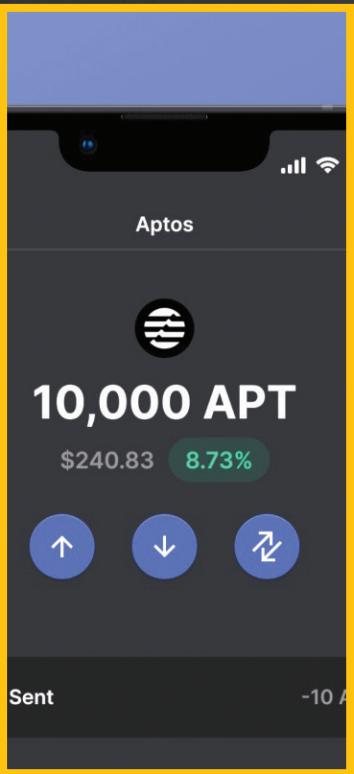
زبان برنامه‌نویسی Move، توسط توسعه‌دهندگان سابق فیس‌بوک. وعده سرعت بالا، امنیت و مقیاس پذیری فوق‌العاده.

وضعیت بازار: قیمت APT در ۶ ماه اول ۲۰۲۵ حدود ۱۱ دلار بوده، با حجم معاملات روزانه ۳۰۰ میلیون دلار. قیمت در یک ماه گذشته رشد ۱۵ درصدی داشته که نشان‌دهنده توجه بازار است.

تحلیل تکنیکال: مقاومت مهم ۱۳ دلار، حمایت کلیدی ۹ دلار. شکست مقاومت جهش قیمت را تا ۱۸ دلار فعال می‌کند. اندیکاتور RSI حدود ۶۵ است، یعنی فضای رشد هنوز هست. کاربرد: اپلیکیشن‌های دینامی NFT بازی‌های بلاک چین با نیاز به تراکنش‌های سریع و ارزان.

مزیت: به گفته پل تومسون، مدیر توسعه Aptos در مصاحبه با CoinDesk، زبان Move امکان ساخت قراردادهای هوشمند ایمن‌تر و انعطاف‌پذیرتر را می‌دهد که ریسک باگ را کاهش می‌دهد.

چرا جذاب است؟ چون سرعتی دارد که اتریوم ۲ را هم جلو می‌اندازد و پشتیبانی مالی بزرگی پشتش است.



Sei Network SEI

3 sei

معرفی: بلاک چین تخصصی دینامی که بهینه‌سازی معاملات مالی را هدف

دارد، مخصوص پلتفرم‌های معاملاتی و صرافی‌های غیرمتمرکز. وضعیت بازار: SEI حدود ۰.۹ دلار معامله می‌شود، حجم معاملات روزانه حدود ۱۰۰ میلیون دلار. در دو ماه گذشته ۳۰ درصد رشد قیمت داشته است.

تحلیل تکنیکال: مقاومت در ۱.۱ دلار، حمایت کلیدی ۰.۷ دلار. روند کلی صعودی است اما نوسانات بالاست.

کاربرد: معاملات سریع، جلوگیری از حملات front-running (دستکاری قیمت‌ها)، معاملات با لغزش قیمت پایین.

مزیت: تیم Sei ادعا می‌کند معماری خاص آن باعث می‌شود تراکنش‌ها بسیار سریع پردازش شوند.

چرا جذاب است؟ چون تمرکز بر معاملات مالی باعث می‌شود مشکل اساسی دینامی یعنی سرعت و امنیت تراکنش‌ها حل شود.

منبع: تیم Sei در مصاحبه با Binance Research گفته که پلتفرم آنها توانایی پردازش ۱۰۰ هزار تراکنش در ثانیه را دارد که رقم چشمگیری است.



معرفی: بلاک چین لایه یک از همان تیم Aptos. اما با تمرکز بر سرعت تراکنش‌های کوچک، مخصوص بازی‌ها و اپ‌های اجتماعی.

دنیای رمزارزها هیچ‌وقت از هیجان و نوآوری خالی نمی‌شود. هر سال پروژه‌های تازه‌ای می‌آیند که با فناوری‌های نوین آمده‌اند یا راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهند که بازار را تکان می‌دهد. ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ هم استثناء نیستند. در این گزارش سراغ پنج پروژه‌ای رفته‌ایم که هم تازه‌اند و هم پتانسیل بالایی برای رشد دارند. پروژه‌هایی که آینده دنیای بلاک چین را می‌سازند. این پنج پروژه، هر کدام در حوزه‌ای از بلاک چین نوآوری کرده‌اند که به‌صورت تخصصی مشکلاتی مثل سرعت، هزینه، امنیت یا تعامل‌پذیری را هدف گرفته‌اند. داده‌های بازار و تحلیل تکنیکال نشان می‌دهد که این پروژه‌ها پتانسیل بالایی برای رشد دارند، اما مثل همه رمزارزها، ریسک قابل توجهی نیز دارند. سرمایه‌گذاری فقط بر اساس هیجان و اطلاعات سطحی توصیه نمی‌شود. حتماً پیش از ورود به بازار، تحلیل‌های فاندمنتال و تکنیکال عمیق‌تر انجام دهید و مدیریت ریسک را فراموش نکنید.

Sui SUI

معرفی: بلاک چین لایه یک از همان تیم Aptos. اما با تمرکز بر سرعت تراکنش‌های کوچک، مخصوص بازی‌ها و اپ‌های اجتماعی.

وضعیت بازار: قیمت SUI در سه ماه اخیر از ۱.۵ دلار به حدود ۲.۵ دلار رسیده، افزایش ۶۵ درصدی! حجم معاملات روزانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار است.

تحلیل تکنیکال: مقاومت کلیدی در ۲.۸ دلار است. حمایت‌های اصلی در ۲ و ۱.۷ دلار. میانگین متحرک ۵۰ روزه روند صعودی دارد.

کاربرد: بازی‌های بلاک چین، متاورس، اپلیکیشن‌های اجتماعی.

مزیت: دیوید کایلان مدیر پروژه در مصاحبه با The Block، تأکید کرده که ساختار Sui به گونه‌ای است که می‌تواند میلیون‌ها تراکنش همزمان را بدون کاهش سرعت یا افزایش هزینه مدیریت کند.

چرا جذاب است؟ به خاطر این که بازی‌های بلاک چین الان داغ‌ترین بخش بازارند و سرعت و هزینه پایین در این زمینه حکم‌تلا را دارد.



LayerZero.4

LayerZero ZRO

معرفی: پروتکل ارتباط بین بلاک چین‌ها (Cross-chain)، به پروژه‌ها امکان می‌دهد داده و دارایی را بین زنجیره‌های مختلف بدون واسطه منتقل کنند.

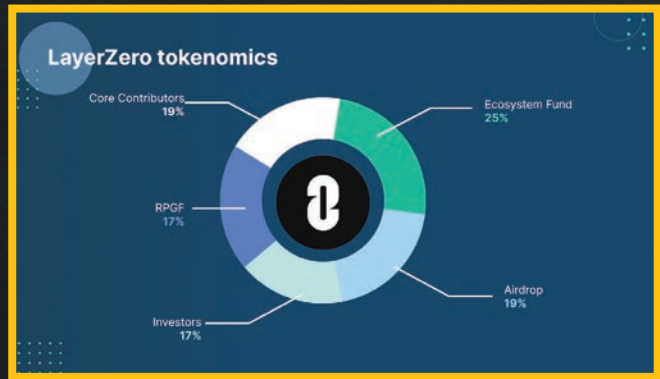
وضعیت بازار: قیمت ZRO حدود ۰.۵ دلار است، حجم معاملات روزانه تقریباً ۵۰ میلیون دلار. پس از انتشار راهکار جدید، قیمت رشد ۲۰ درصدی داشته است.

تحلیل تکنیکال: مقاومت در ۰.۶ دلار، حمایت در ۰.۴ دلار. روند کلی متعادل است و انتظار رشد کوتاه‌مدت می‌رود.

کاربرد: انتقال دارایی و اطلاعات بین بلاک چین‌های مختلف، پشتیبانی پروژه‌های دینامی چندزنجیره‌ای.

مزیت: به گفته استیو اشسمیت، مدیر عامل LayerZero در مصاحبه با CryptoSlate، این پروتکل مشکلات امنیتی پل‌های بلاک چین سنتی را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد.

چرا جذاب است؟ چون تعامل بین بلاک چین‌ها کلید آینده دنیای رمزارز است و پروژه‌هایی که این امکان را فراهم کنند، حتماً ارزشمندند.



Arbitrum Nova ARB-N



5 arbitrum

معرفی: راهکار لایه دوم برای اتریوم که تراکنش‌ها را سریع‌تر و ارزان‌تر می‌کند، مخصوص اپلیکیشن‌های اجتماعی و بازی‌های بلاک چین.

وضعیت بازار: ARB-N در سال ۲۰۲۵ عرضه شده و قیمت فعلی حدود ۰.۳ دلار است، با حجم معاملات روزانه ۳۰ میلیون دلار.

تحلیل تکنیکال: هنوز بازار تثبیت نشده، اما میانگین متحرک ۲۰ روزه نشانه‌های رشد اولیه دارد. حمایت مهم ۰.۲ دلار است.

کاربرد: اپ‌های بازی و اجتماعی با نیاز به تراکنش‌های زیاد و ارزان.

مزیت: امنیت اتریوم با سرعت و هزینه پایین‌تر، مناسب برای بازار روبه رشد متاورس.

چرا جذاب است؟ چون راهکارهای لایه دوم اتریوم هنوز جای زیادی برای رشد دارند و آربیتوم از محبوب‌ترین‌هاست.

منبع: تیم Arbitrum در کنفرانس ETHGlobal اعلام کرد Nova حدود ۱۰ برابر هزینه تراکنش‌های معمول اتریوم را کاهش داده است.



گفت‌وگو با زهرا کیانی قهرمان ووشو ایران و جهان

گفت‌وگو با زهرا کیانی قهرمان ووشو ایران و جهان

ووشو برای ما شغل نیست

«این روزها مشغول چه کاری هستید؟ مسابقه یا هدف خاصی در تقویم امسال تان دارید؟

در اردوی تیم ملی هستیم. برای مسابقات جهانی برزیل در شهر بوریو آماده می‌شویم. درحال حاضر مهمترین هدفم شرکت در مسابقات جهانی برزیل است.

«در طول سال‌های اخیر در میادین بین‌المللی زیادی شرکت کردید؛ این چه تاثیری روی مسیر ورزشی شما گذاشته؟ از هر مسابقه چیزی یاد گرفتم. از یکسری‌ها در کل زندگی‌ام استفاده کردم و یکسری تجربه‌هایم مربوط به رشتام بوده است. تجربه‌هایی که در ارتباط با رشته خودم داشتم، این بود که در ساختار فرم حتما خلاقیت و تنوع باشد. باید نوآوری باشد و صفا کپی کردن از روی بازیکنان در میادین بزرگ جایگو نیست. مثل یک هنر می‌ماند، مانند تئاتر یا بازیگری است. نیاز به بداهه دارد و باید خلاقیت داشته باشید و ورزشکار برای این خلاقیت باید در حیطه خودش علم بالایی داشته باشد. در تالو هر چقدر تخصص و علم بیشتر باشد، توانایی برای خلق تکنیک‌ها بیشتر می‌شود.

«مسیر طولانی و پرچالش‌ری را از نوجوانی تا تیم ملی طی کردید؛ چه چیزهایی در این مسیر برای تان آموزنده بود؟ خیلی تجربه‌ها از شرکت در مسابقات و رشتهم به‌دست آوردم که خیلی ارزشمند است. یکی از چیزهایی که یاد گرفتم این بود که نباید خودم را مقایسه کنم. همیشه باید فقط کار خودت را انجام بدهی. رشته ما اجرای نمایشی است و مقایسه کردن خود با رقبیان وقتی دارند گرم یا تمرین می‌کنند، باعث می‌شود اعتماد به خودمان را از دست بدهیم. به همین خاطر من گاهی مسابقات رقبیانم را نگاه نمی‌کنم، تا وارد بازی مقایسه نشوم. از طرفی از دیدن اجرای خوب دوستانم لذت می‌برم و تحسین‌شان می‌کنم.

«نگاه شما به رقابت و رفاقت در ورزش حرفه‌ای چطور است؟ آیا بین این دو تعادلی وجود دارد؟ اعتقادی که دارم همه ما در نهایت از خانواده تالو هستیم و داریم به رشد آن کمک می‌کنیم. وقتی رفیق من اجرایی دارد، می‌دانم در راستای رشد جمعی حرکت می‌کند و تشویقم می‌کنم. وقتی ستم کمتر بود، فضا خیلی رقابتی و حسادت داشت اما الان که این‌طوری نیست نتیجه بهتری می‌گیرم. رشته ما طوری است که هر چقدر با آرمش و تمرکز بیشتر انجام شود، نتیجه آن بهتر است.

«اگر بخواهید چند تجربه خاص یا درس مهم از دوران قهرمانی‌تان را با مخاطبان به اشتراک بگذارید، چه چیزهایی به ذهن تان می‌رسد؟



در میان ورزش‌هایی که کمتر در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، ووشو یکی از آن رشته‌هایی است که با وجود مدال‌های پرشمار، هنوز آنطور که باید دیده نشده است. زهرا کیانی، چهره‌ای آشنا در تالو و از پرافتخارترین بانوان ووشوئی ایران، یکی از آن ورزشکارانی است که با عشق، پشتکار و خلاقیت راه خود را از نوجوانی تا قله‌های جهانی پیموده است. حالا در آستانه حضور در مسابقات جهانی برزیل که شهر بوریامه برگزار می‌شود، او در اردوی تیم ملی تمرینات فشرده‌ای را پشت سر می‌گذارد و تنها هدفش، درخشش دوباره در عرصه جهانی است. کیانی معتقد است موفقیت در تالو، تنها به مهارت بدنی وابسته نیست؛ بلکه مانند یک هنر نمایشی، نیازمند نوآوری، بداهه‌پردازی و عمق علمی در تکنیک‌هاست. در این گفت‌وگو، زهرا کیانی نه تنها از چالش‌ها و لذت‌های قهرمانی می‌گوید، بلکه از نابرابری‌ها در حمایت از رشته‌های مختلف ورزشی نیز انتقادی صریح دارد؛ واقعیتی که باعث شده ووشو کاران با وجود افتخار آفرینی، نتوانند این ورزش را به عنوان شغلی پایدار و درآمدزا تلقی کنند.



- تالو مثل تئاتر و بازیگری است خلاقیت می‌خواهد
- کیانی می‌گوید برای پول وارد ووشو نشده بلکه به خاطر عشق ادامه داده است



تجربه‌های زیادی داشتم و از حوصله مخاطب خارج است. من همه این تجارب را به زندگی‌ام پیوند دادم. تجربه‌های من یک چیزهای شخصی است که به درد خودم می‌خورد و برای کس دیگری مفید نیست.

«چه عواملی به شما کمک کردند که در این مسیر پرچالش ماندگار باشید و ادامه بدهید؟

برای طی کردن این مسیر بیشتر از همه در درجه اول علاقه و عشقی بوده که نسبت به تالو داشتم که باوجود تمام سختی‌ها انجامش دادم. همیشه عاشق تالو بودم. در درجه دوم حمایت خانوادهم بوده که در هر شرایط و جایی که من کم آوردم، حمایت و کمکم می‌کردند و باعث شدند مسیرم تداوم داشته باشد. به جز آن مربیانم که در قهرمانی‌ها سهمیه هستند و تاثیرگذار بودند.

«نگاه جامعه به ووشو در این سال‌ها چطور تغییر کرده؟ الان مردم چقدر با این رشته آشنایی دارند؟

یک زمانی بود وقتی می‌گفتم که ووشو کار هستم، خیلی برای‌شان ناشنا بود. می‌گفتند تالو چی هست و ما آن را نمی‌شناسیم؛ در حال حاضر هنوز زیاد شناخته نشده. الان هم در مسابقات آسیایی حضور دارد اما در المپیک نیست. ووشو رشته‌ای خیلی قدیمی است اما از نظر حضور در مسابقات ورزشی نوپاست و خیلی دیده نشده. این درجالی است که این رشته ۵ هزار سال قدمت دارد. با این وجود به اندازه کافی سطح جهانی و شاید ایران آشناتر نیست. با این حال در سال‌های اخیر در ایران خیلی حرفه‌ای به ووشو پرداخته شده و روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود. یک ورزش پردمال است و فکر می‌کنم دومین رشته از نظر کسب افتخار و مدال در رقابت‌های آسیایی وایو است.

ماجرای غیرقابل پیش‌بینی ستاره در سانتوس

سانتوس اعلام کرد: نيمار به کرونا مبتلاست

رسانه‌های برزیلی به نقل از بیانیه باشگاه سانتوس گزارش دادند که نيمار، مهاجم اين تيم، به دليل مثبت شدن تست ابتلايش به ويروس کرونا (کووید-۱۹) از ميادين دور مانده است. علائم بيماری در اين مهاجم ۳۳ ساله روز پنجشنبه گذشته ظاهر و بلافاصله از فعاليت‌های تيم کنار گذاشته شد. باشگاه برزیلی روز شنبه تأييد کرد که آزمایش‌های پزشکی، ابتلای او به ويروس را اثبات کرده‌اند.

باشگاه سانتوس مدت زمان دوری نيمار از ميادين را اعلام نکرده و به درخواست خبرگزاری رويترز، برای اظهارنظر نيز فوراً پاسخ نداده است. نيمار به دليل محروميت، به هر حال در ديدار اينده سانتوس مقابل تيم فور تالزا که روز پنجشنبه بر گزار می‌شود، غايب خواهد بود. ديدار مقابل فور تالزا، آخرين مسابقه سه‌سابقه پيش از توقف ليگ برزیل به دليل برگزاری جام جهانی باشگاه‌ها خواهد بود؛ رقابت‌هایی که از ۱۵ ژوئن (۲۶ خرداد) تا ۱۳ ژوئيه (۲۲ تير) به ميزبانی ايالات متحده بر گزار می‌شود. تکليف اينده نيمار، مهاجم پيشين با سلسونا، با سانتوس هنوز مشخص نيست؛ زيرا قرارداد فعلی او در تاريخ ۳۰ ژوئن (۹ تير) به پايان می‌رسد. با وجود مصدوميت‌هایی که روند او را در تيم دوران کودکی‌اش مختل کرده‌اند، نيمار در اين فصل در مجموع ۱۲ بازی در تمامی رقابت‌ها برای سانتوس انجام داده، ۳ گل به ثمر رسانده و ۳ پاس گل زده داده است.

تسليم با فن خفه کننده در حضور رئيس جمهور آمريکا

قهرمانی دوباره دفالیشویلی و هریسون در خروس وزن



مساب دفالیشویلی، مبارز گرجستانی، موفق شد شون آمالی را در راند دوم مجبور به تسلیم کند تا در رقابت‌های UFC ۳۱۶ که شامگاه شنبه برگزار شد، کمر بند قهرمانی خروس وزن را حفظ کند. همچنین، کیلا هریسون نیز در رویداد اصلی مشترک، با غلبه بر جوليانا پنا از طریق تسلیم، عنوان قهرمانی خروس وزن زنان را به دست آورد. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، کنار قفس مبارزه در مرکز «بروندشال» در نیواک، ایالت نیوجرسی نشسته بود، دفالیشویلی دفاع از عنوان قهرمانی را که در سپتامبر گذشته از آمالی گرفته بود، با فشار شدیدی از ابتدا آغاز کرد. او آمالی را درون قفس تعقیب و ضربه‌اش را با تلاش‌هایش برای به زمین انداختن حریف ترکیب می‌کرد. اگر چه آمالی به خوبی در برابر حملات پر قدرت دفالیشویلی مقاومت کرد اما در نهایت پس از دو راند مغلوب شد. دفالیشویلی مبارزه را با فشار دست‌هایش روی گردن آمالی و اجرای یک فن خفه کننده پس از گذشت ۴ دقیقه و ۴۲ ثانیه از راند دوم به پایان رساند. دفالیشویلی ۳۴ ساله پس از پایان مبارزه گفت: «من در اوچم. من قهرمان جهانم. از هیچ به اینجا رسیدم. بسیار سپاسگزارم که توانستم الهام بخش نسل‌های جوان باشم تا الگوی آنان باشم.» او در پاسخ به سوالی درباره توانایی شگفت‌انگیزش در تحمل فشار و استقامت گفت کار خاصی انجام نداده و همه چیز به تمرین برمی‌گردد. وی افزود: «این فقط کار است. من هر روز تمرین می‌کنم. می‌دانی، اولویت من بیدار شدن و تمرین کردن است. بعدش می‌توانم با دوستانم وقت بگذرانم، به کلیسا بروم، دنبال همسر بگردم یا هر کار دیگری که بخواهم انجام دهم.» در رقابت اصلی مشترک، کیلا هریسون، قهرمان دو دوره جودوی المپیک، با مهارت‌های خود توانست پنا را کنترل کرده و تنها پنج ثانیه مانده به پایان راند دوم، با اجرای فن معروف کیمورا از ورزش جودو، او را مجبور به تسلیم کند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۴۰/۲۴۹۶ مورخه۱۴۰۴/۲/۲۱ هیات اول موضوع قنون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی سمیردستی فرزند بناپور بشماره شناسنامه ۰۰۱۷۳۰۵۷ صادره از اسدآباد درششادنگ یک باب ساختمان دارای کاربری مسکونی به مساحت۶۵/۵۵ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵۵ اصلی واقع در بخش ۶حوزه ثبت ملک اسدآباد شهرک ولی عصر خریداری ازمالک رسمی سیدجمال فاطمی و عبدالرضا امانی محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازآخرسدبظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت نقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف: ۳۹۴

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۲/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۴۰/۲۳۱۸۰ مورخه۱۴۰۴/۲/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات بالامعارض بلامعارض متقاضی سیداسماعیل کشوری فرزند سیدعلی جان بشماره شناسنامه ۷۷۱ صادره از اسدآباد درششادنگ یک باب مغازه دارای تجاری و معبر به مساحت۲۱/۴ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۴۴فرعی از ۱۸۵۷ اصلی واقع در بخش ۶حوزه ثبت ملک اسدآباد خیابان کاشانی خریداری ازمالک رسمی ذبیح الله محمودی نمرتی فرزند حبیب الله محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازآخرسدبظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت نقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف: ۳۹۶

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۲/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

همراه با تحریربه هفت‌صبح اخبار و گزارش‌ها را آنلاین پیگیری کنید

7SOBH.COM



اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای صادره به شماره ۰۵۰۱۰۲۲۰ مورخ۱۴۰۳/۱/۱۰ موضوع پرونده تشکیل شماره ۰۸۳-۰۵۰۰۱۴۲۴۶۰۰۵۰۰ سال ۱۴۰۳ درهیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی داراب عمرایی فرزند کریم بشماره شناسنامه۲۹۲ و ش ملی ۲۹۲۱۱۹۳۵۱۷ صادره از نهاوند در ششادنگ یک قطعه باغ آبی به مساحت ۲۹۲۱۱۸۸ مترمربع تحت قسمتی از پلاک فرعی از پلاک اصلی واقع در بخش سه حوزه ثبتی شهرستان نهاوند. وقع در اراضی روسای دهپوره که حقوق ارتفاقی ندارد و مالکیت مالک بر اساس منایعه نامه عادی از مالک رسمی محمد میرزا ترکمان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۲/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض - کلاسه ۰۱۲۴۸-۰۰۱۴۲۴۱۴۴۱۴۲۴۸۰۰ تقاضای خاتم زهرا نیشابوری به شماره شناسنامه ۴۴۵ و کد ملی ۲۱۲۰۷۲۴۷۷۶ صادره از گرگان فرزند عبدالرحیم در ششادنگ یک قطعه باغ که یک دانگ مشاع از ششادنگ عرصه آن وضعیت بمساحت ۱۱۶۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۱۸ - اصلی واقع در اراضی سعیداباد بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی شده. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاص که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکبماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

نشانه آگهی: ۱۹۴۲۳۲۱۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره های ۱۴۰/۲۲۹۷ و ۱۴۰/۲۲۹۸ و ۱۴۰/۲۲۹۹ مورخه۱۴۰۴/۲/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی منصورسعادت فرزند علی مقبر بشماره شناسنامه ۲ صادره از اسدآباد درچهار قطعه ۱- ششادنگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۳۶۱۰ مترمربع و ۲- ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲۱۳۷۸ مترمربع در قسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش ۶حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای سمیران خریداری ازمالک رسمی علی مقبرسعادت فرزند حاجعلی ۲- ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲۱۳۷۸ مترمربع در قسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش ۶حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای سمیران خریداری ازمالک رسمی علی مقبرسعادت فرزند علی مقبرسعادت فرزند علی ۳- ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۸۱۷۷۸ مترمربع در قسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش ۶حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای سمیران خریداری ازمالک رسمی علی اکبرسعادت فرزند علی پاشا محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازآخرسدبظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت نقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف: ۴۰۰

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۲/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۲/۲۰

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سرمد دبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری و: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیرزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: بابک نبی، دبیر بین الملل: رامتین لطیفی،
ویراستار: فرزانه اختیاری و مر تفسی کیلیلی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

انتان صبح: ۰۲۰۰۲ | طلوع آفتاب: ۰۴:۴۸ | ظنهر: ۱۲:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۹ | انتان مغرب: ۱۹:۴۰

تاکسی نت

تواهل دانش و فضلی همین گناهت بس



سعید پیابانکی
شاعر و طنزپرداز

معاون اداری مالی شرکت بودم. چون علاوه بر مهندسی، حسابداری و کار مالی هم زیاد انجام داده‌ام، چندین سال سابقه کار داشتم و مدیرعامل هم از کارم راضی بود و می‌گفت هر که جای تو بود الان کلی اختلاس کرده بود و بارش را بسته بود ولی تو شیر پاک خوردی‌ای و پاکدست و باعث سربلندی و افتخار شرکتی. تا اینکه یک ماه پیش یک هفته مرخصی گرفتم بروم شهرشان سسری به مادرم بزنم. وقتی برگشتم دیدم کارت ورود به پارکینگ شرکت کار نمی‌کند. از نگهبان سوال کردم گفت کارت شما غیر فعال شده. اسمم هم در لیست کارکنان شرکت نبود! و از من خواستند از همان مسیری که آمده‌ام بر گردم. گفتم چرا؟ گفت چون یک آقاراده آمده جای تو که هم دمش کلفت است هم گردنش! به مدیرعامل زنگ زدم جواب مرا نداد. به سایر معاونان زنگ زدم دیدم اسم مرا در لیست رد خودکار تماس گذاشته‌اند. همان لحظه فهمیدم که باید برگردم خانه. البته بیکار ننشستم و فردا رقوم در تاکسی‌های اینترنتی در خواست همکاری دادم و امروز هم که با افتخار در خدمت شما هستم...

گفتم قصصات را باور می‌کنم. و این بیت را برایش خواندم که:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

تواهل دانش و فضلی همین گناهت بس

و ادامه دادم اگر آدم پاکدستی نبود ی باز دو بنداختلاس کرده بودی و انعام بقیه را هم داده بودی امروز بک راننده داشتی که باشاشی بلند می‌آمد دنبالت ولی چون آدم درستی هستی امروز شدی ا راننده من آن هم با پراید! و هر دو می‌خندیم...

کوچه سینما

مرمت «خانه خدا»

زنده کردن تاریخ حج در پره قدراهی



رضایی می‌دانستند البته آقای جلال مقدم در هیچ کجاءعانکرده که کارگردان این فیلم بوده است. در آن مقطع، در تبلیغات این فیلم مردم را به تماشای شکوه اسلام دعوت می‌پیاذه، از طریق دریا و آسمان، راهی خانه تهیه‌کننده آمده‌است. به احتمال زیاد فردی که گروه را برای ساخت این فیلم مدیریت کرده، شخص ابوالقاسم رضایی بوده است اما در شکل نهایی و تالیفی این اثر، فیلمبردارها و تدوینگر نقش بسیار زیادی داشته‌اند.

امروز، در سالن فردوس موزه سینما و در چارچوب برنامه «شب‌های مستند» در ساعت ۱۷، مخاطبان و علاقه‌مندان هنر و تاریخ، می‌توانند از نزدیک شاهد رونمایی این نسخه مرمت‌شده باشند. همراه با نمایش فیلم، نشست گفت‌وگو محور باحضور محمد تهامی‌نژاد و محمد جعفری بر گزار خواهد شد تا ابعا د تاریخی، هنری و فرهنگی اثر باشد برای ساخت آثار جدید و گفت‌وگویی تازه درباره اهمیت این آیین‌ها و تعاملات فرهنگی.

یکی از جذاب‌ترین نکات پیرامون این مستند، اهمیت و بحث درباره هویت واقعی سازنده آن است؛ بسیاری منابع، نام جلال مقدم را به عنوان کارگردان ذکر کرده‌اند اما اسناد و نظرات کارشناسی، رضایی را صاحب اثر می‌انند. محمد تهامی‌نژاد (پژوهشگر) معتقد است که این فیلم توسط آقای گلستان هدایت و متن ایشان توسط او بازنویسی شده است. گلستان و نعمت حقیقی این فیلم را متعلق به ابوالقاسم به شدت به آن نیاز داریم.

همزمان با روز جهانی ارشسیو و در آستانه پایان مناسک حج، موزه سینما فرصتی استثنایی فراهم کرده تا شاهد بازگشت بی‌نظیر به یکی از مهم‌ترین مستندهای تاریخ سینمای ایران باشیم؛ «خانه خدا» به کارگردانی ابوالقاسم رضایی، مستندی که بیش از نیم قرن پیش ساخته شده و اکنون پس از مرمت دقیق و حرفه‌ای، بار دیگر به پرده سینماها بازمی‌گردد.

این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای که نخستین بار در آذرماه ۱۳۴۵ به نمایش در آمد، علاوه بر ارائه تصویری مستند و واقع‌گرایانه از آیین‌های حج، به نوعی سندی زنده و منحصر بفرد است؛ از تاقی فرهنگ، مذهب و انسان‌هایی که از اقصی نقاط جهان، با پای پیاده، از طریق دریا و آسمان، راهی خانه خدا می‌شوند. «خانه خدا» در واقع روایتی سینمایی است از سفر معنوی میلیون‌ها زائر، مراسم باشکوه حج و لحظات پرتلهاب بازگشت آنان به خانه و زندگی روزمره.

اما این اثر فراتر از یک مستند ساده است؛ به دلیل قدمت، ارزش تاریخی و اهمیت فرهنگی، به عنوان یکی از کامل‌ترین سندهای تصویری درباره مناسک حج شناخته می‌شود. این فیلم در لایه‌های پنهان خود، تاریخ ایران و جهان اسلام را در دهه ۴۰ شمسی ثبت کرده و تغییرات قابل توجهی که در طی سال‌ها در مناسک و روابط منطقه‌ای رخ داده، می‌تواند در چعای باشد برای ساخت آثار جدید و گفت‌وگویی تازه درباره اهمیت این آیین‌ها و تعاملات فرهنگی.

یکی از جذاب‌ترین نکات پیرامون این مستند، اهمیت و بحث درباره هویت واقعی سازنده آن است؛ بسیاری منابع، نام جلال مقدم را به عنوان کارگردان ذکر کرده‌اند اما اسناد و نظرات کارشناسی، رضایی را صاحب اثر می‌انند. محمد تهامی‌نژاد (پژوهشگر) معتقد است که این فیلم توسط آقای گلستان هدایت و متن ایشان توسط او بازنویسی شده است. گلستان و نعمت حقیقی این فیلم را متعلق به ابوالقاسم



اولین گفت‌وگو با خلبان ارشد کار تل پابلواسکوبار؛ روایتی از سقوط و رستاخیز

اعترافات خلبان افسانه‌ای کوکائین

از پسر یک بساز بفروش در فلوریدا تادست راست پابلواسکوبار، روایت عجیبی از سقوط

و صعود مردی که سر نوشتش با بوی کوکائین گره خور



الهه کاکایی
هفت صبح

در اتاقک کوچک یک هواپیمای قدیمی، جایی میان ابرهای مرطوب آمریکای لاتین و بادهای گرم فلوریدا، مردی نشسته که روزگاری اسمش لرزه بر اندام دولت‌ها می‌انداخت. حالا اما در ۷۳ سالگی، دیگر نه سروصدایی دارد، نه هاله‌ای از رمز و راز. «تیرسو دومینگز» با لبخندی خاکستری و صدایی که گهگاه لرزش پشیمانی در آن شنیده می‌شود، از دورانی می‌گوید که آسمان برایش مرز نداشت و زمین، مرز عدا یی صاحب برای ثروت‌های افسانه‌ای.

تا همین چند هفته پیش، تقریباً هیچ کس نام او را کنار پابلو اسکوبار ارباب مخوف کوکائین، نمی‌گذاشت اما با انتشار اولین گفت‌وگوی صوتی‌اش در یادکست مستند «هواپیمای کوکائین»، دومینگز از سایه‌ها بیرون آمده و از دل دنیای حرف می‌زند که در آن ۳۰ لامبورگینی داشتن، تنها یکی از بخش‌های زندگی روزمره بود.

دومینگز، فرزند یک بسازبفروش اهل فلوریدای مادری خانه‌دار، هرگز فکرش را نمی‌کرد مسیرش از فرودگاه‌های رسمی به باندهای خاکی قاچاق بیفتد اما مرگ ناگهانی پدرش، در میانه ساخت یک کارخانه شکر در هائیتی، او را از دنیای امن نوجوانی جدا کرد. پول‌های پدری گیر بانکدارانی مکار افتاد و زندگی دومینگز، پیش از آنکه به ۳۰ سالگی برسد، با ۱۰۰ هزار دلار کلاهبرداری و ناگامی در گرفتن وامی ۱۴ میلیونی به سراشیبی سقوط افتاد.

آنچه او را نجات داد، سقوط دیگری بود؛ این بار سقوط یک بسته بزرگ ماری‌جوانا، به اشتباه در قایقی که نباید می‌افتاد. ۸۰۰ هزار دلار بار گم‌شده، تهدید جانی و نگاه‌های عصبانی قاچاقچیان مواد مخدر، دومینگز را تا مرز نابودی برد. او چاره‌ای ندید جز اینکه برای جبران بدهی، سرگاز خطرناک‌تری برود: پرواز کوکائین بر فراز مرزها هم پروازی که تا پیش از آن، حاضر نبود به خاطرش پا به دنیای خون و خشونت بگذارد اما در بزنگاه تهدید به مرگ، اصول رنگ می‌بازد. با اولین محموله کوکائین، یک میلیون دلار نصیبش

سلامت

مک‌فرای، مک‌کولا مک‌معجزه؟

میگرن، این مهمان ناخوانده مر موز، در بریتانیابیش از ده میلیون نفر را گرفتار کرده در ایران هم کم نیستند آنهایی که با چشم‌های تار، سرهای سوزان و بی‌نهی لرزان، روزهایشان را می‌گذرانند شغل‌ها را نیمه‌کاره رها می‌کنند، سفرها را به اتاق تاریک محدود و گاهی جهان را به‌قدر یک متکا کوچک می‌کنند. در میان نسخه‌های پزشکی، درمان‌های خانگی

عکس روز



یادداشت

کارت هدیه، یادگاری بی‌قصه



مهناز جعفری‌فروزه
هفت صبح

گاهی وقت‌ها، آدم دلش می‌خواهد یک هدیه بدهد که اثرش سال‌ها در خاطر بماند؛ رد دست و دلش در تک‌تک جزئیات بسته‌بندی و انتخاب کادو حس شود. خاطره آن لحظه باز کردن هدیه، لمس روبان‌ها و صدای پاره‌شدن کاغذ کادو، بخشی از قصه روابط انسانی است؛ نشانی از توجه، وقت گذاشتن، شناخت و حتی رنج شیرین گشتن و انتخاب کردن اما جهان امروز، آرام‌آرام، این لحظات را به نسخه‌ای سریع و بی‌دردرس فرو کاسته؛ کارتی پلاستیکی یا مبلغی روی آن، یا چند کلیک و ارسال یک عدد دیجیتال.

کارت هدیه، این اختراع ساده و البته هوشمندانه، معادل تمام چیزهایی است که روزگاری نماد صمیمیت بودند اما حالا در حال محو شدن‌اند. کسی که کارت هدیه می‌دهد، دیگر لازم نیست شب تا صبح به سلیقه گیرنده فکر کند، در مغازه‌ها سرگردان شود یا حتی از دایره حدس‌ها و تردیدهایش عبور کند. همه چیز خلاصه می‌شود به انتخاب یک مبلغ و در نهایت، یک لبخند رسمی: «هر طور دوست داشتی خرجش کن!» اینجا همه چیز «آماده مصرف» است، حتی احساسات.

کارت‌های هدیه، هر چند عملی و کاربردی به‌نظر می‌رسند اما همان قدر بی‌تکلف و بی‌مهر هم هستند. آنها نیامده‌اند که جادوی کادو دادن را تکمیل کنند؛ آمده‌اند تا راه را میانبر کنند اما این میانبری است که به مقصدی تازه می‌رسد؛ جایی که مناسبات انسانی بی‌رنگ‌تر و استاندارد‌تر شده‌اند. آیا در این استاندارد‌دسازی، جایی برای شور و هیجان دست‌سازها باقی مانده است؟ شاید کسی بگوید کارت هدیه انعطاف‌پذیری دارد و انتخاب را به خود فرد می‌سپارد، اما مگر نه اینکه اصل لذت در هدیه گرفتن، در کشف انتخاب فرد مقابل و توجه‌او نهفته است؟

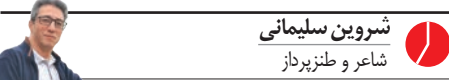
جهان امروز، جهان سرعت است؛ همه چیز باید سریع، ساده و بدون دردرس باشد. آدم‌ها از صف‌های طولانی فراری‌اند و حتی احساسات‌شان را فشرده، خلاصه و واریز‌پذیر می‌خواهند. کارت هدیه پاسخی است به این نیاز جمعی؛ احساسی سریع، بدون ریسک، بدون زحمت و مهم‌تر از همه، قابل اندازه‌گیری. رقی روی کارت یا در پیامک، گویای همه چیز است؛ نیازی به پرسش یا گمانه‌زنی نیست اما آ یا عده‌ها می‌توانند جای قصه‌های مشترک، دستپاچگی موقع انتخاب یا حتی اشتباهات دوست‌داشتنی در خرید کادو را بگیرند؟

از سوی دیگر، کارت هدیه، باز تاب تغییرات فرهنگی است؛ عصری که مرز میان هدیه و تراکنش مالی باریک‌تر شده. هدیه‌ها از دل خاطرات مشترک و ذغذغه‌های شخصی بیرون نمی‌آیند، بلکه شبیه خرید یک کالا از قفسه‌ی فروشگاه شده‌اند؛ بی‌نام، بی‌هویت، اما تضمین‌شده. این تغییر شاید نشانه بلوغ و روابط باشد؛ آدم‌ها حالا به استقلال و سلیقه طرف مقابل احترام می‌گذارند. اما آیا در این بلوغ، چیزی از لطافت بی‌واسطه و لحظه‌های پیش‌بینی‌نشده باقی می‌ماند؟

کارت هدیه فقط یک تکه پلاستیک نیست؛ تصویری است از دنیایی که راحتی را به اصالت ترجیح داده. دنیایی که احساسات را هم در قالب‌های دیجیتال و اعداد می‌ریزد، تا کسی به زحمت نیفتد یا چیزی از قلم نیفتد. اما گاهی، در لایه‌ای همین راحتی‌ها، چیزی از جنس لمس روبان و عطر کاغذ کادو گم می‌شود؛ چیزی که شاید بی‌صدا، اما پرتنگ‌تر از هر عددی، در یادها بماند. هدیه دادن، هنوز هم می‌تواند آیینی باشد برای ایستادن مقابل موج سرعت و مصرف؛ تلاشی کوچک برای حفظ همان لطافت‌های انسانی که در جهان کارت‌های هدیه، کم‌کم محو می‌شوند.

اینم به جور شه!

به‌خاطر یک مُشت توت!



شروین سلیمانی
شاعر و طنزپرداز

نمی‌دانم کدام شیر پاک خورده‌ای به فکرش رسیده بود که از این همه درخت، درخت توت، توی پیاده‌رو و بکارده که حالا شاخه‌هایش تا پنجره اتاقم رسیده بود و یک کته آسایش من و یک محله را

گرفته بود. هر سال فصل توت که می‌شد، پیر و جوان به این درخت بخت‌برگشته او یزان می‌شدند تا توت‌ها را از اقصی نقاطش چپینند و به شادی و میمنت بخورند؛ یکی از همین روزها که از اداره برگشتم، از اینکه رئیس جدیدمان آقای کریمان با دو روز مرخصی ام مخالفت و در برابر اصرارم مرا تهدید به جابه‌جایی کرده و اولتیماتوم داده بود که دیگر برای مرخصی پیشش نروم، حسایی کُفری بودم. همان شب قبل از خواب نقشه کشیدم تا فردا بروم پیشش و به هر قیمتی شده از او دو روز مرخصی بگیرم. تازه چشمم داشت گرم می‌شد که با سر و صدای یک مشت مزاحم توت‌خوار از جا پریدم. از آنجا که حوصله تذکر و جنگ و جدل با این جماعت بی‌ملاحظه را نداشتم با خودم گفتم که تحمل می‌کنم تا توت‌شان را بچورند و پروند بی کارشان اما پیش‌بینی‌ام غلط از آب در آمد چون این قبیله توت‌ندیده که از صدای‌شان معلوم بود یک پسرپیچه هم همراه‌شان است، ول کنی درخت نبودند و از آنهایی بودند که تا درخت را منقرض نمی‌کردند، بی‌خیالش نمی‌شدند! کم‌کم صدای پسرپیچه‌شان را که تا پشت پنجره اتاقم بالا آمده بود و سایهٔ کله‌اش را روی پرده می‌دیدم، شنیدم که همزمان با تکان دادن شاخه مرتب تکرار می‌کرد: مامان! جمع کن دیگه، دارم تکون میدم! پدر لندهورش هم چند بار داد زد: صدرا! پاتو بذار روی شاخه کُلفته نیفتی! مادرش یکریزی می‌گفت: همینو تکون بده نرو بالا ترا! کاسه صبرم لبریز شد. مثل دیوانه‌ها از جایم پریدم و رفتم پنجره را باز کردم و سرم را بردم بیرون تا بگویم: میمون‌ها هم این وقت شب نارگیل نمی‌چینند که شما توت می‌چینید! اما تا دهان باز کردم از چیزی که دیدم خشمک زدم. آن لندهور که خیلی اصرار داشت پسرش پایش را روی شاخه کُلفته بگذارد، آقای کریمان بود! او هم از دیدن من جا خورد و از اینکه او را در آن موقعیت اسفبار می‌دیدم حالش گرفته شد؛ ابرنامه من هم تغییر نکرد. دویدم و یک صافی بزرگ و یک کیسه‌نایلون برداشتم و رفتم پیش‌شان. او تخصصی که داشتم کلی توت برای‌شان چیدم و داخل نایلون تحویل‌شان دادم و تا دم ماشین هم بدرقه‌شان کردم. با این کار هم به رئیس‌م حال دادم، هم تا آنجا که می‌شد مرام گشش کردم. قبل از اینکه گازش را بگیرد شیشه را پایین داد و گفت: سلیمانی جان چند روز مرخصی می‌خواستی؟! من هم که حالا آتو‌آزش داشتم نامردی نکردم و فکتم: با اجازه شما چهار روز! لبخند تلخی زد و گفت: فردا برگه‌ات را بیاور!

نه تنها آن چهار روز را مرخصی گرفتم، بلکه از آن به بعد یک روز در میان با برگهٔ مرخصی جلوی اتاق آقای کریمان بودم، او هم نه نمی‌گفت! حالا هر وقت از پنجره بیرون را نگاه می‌کنم با دیدن شاخه کُلفته، قیافهٔ آقای کریمان و صدرا جلوی چشمم می‌آید و ناخودآگاه خندمام می‌گیرد!

عکس: روبرنز / دانیل کول